|  |  |
| --- | --- |
|  | Top of Form    Bottom of Form |
| |  | | --- | |  | |  | |  | **جزوه عکاسی خبری**   |  | | --- | | [**جزوه عکاسی خبری**](https://sites.google.com/site/nadersadeghisite/jzwh-asy-khbry)  **تاریخچه عکاسی**  پیدایش عکاسی به اتاق تاریک بر می‌گردد. در حقیقت اتاق تاریک منجر به پیدایش عکاسی و [دوربین](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D9%86) عکاسی شد. اتاق تاریک عبارت از اتاقی است بی هیچ پنجره. هیچ نوری به آن راه ندارد مگر از طریق روزنه‌ای که بر یکی از دیوارهای اتاق تعبیه شده. تصاویر یا چشم‌اندازهای روبروی روزنه به صورت وارونه بر دیوار روبرویش بازتاب می‌یافت. بعضاً نگارگران از تصاویر بازتاب یافته به عنوان الگوی نقاشی‌شان استفاده می‌کردند.  در قرنهای ۱۱ تا ۱۶ بشر از یک [اتاقک](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D8%AA%D8%A7%D9%82%DA%A9&action=edit&redlink=1) تاریک (دوربین اولیه) به‌عنوان چیزی شبیه به دوربین استفاده می‌کرد. برای این منظور اتاق مکعب مستطیل کوچکی را که هرگز نوری به درون آن راه نمی‌یافت، آماده می‌کردند، در وجه جلوی آن سوراخی به قطر تقریبی یک میلیمتر ایجاد می‌کردند، بدین ترتیب تصویر مناظر روبروي وجه داراي سوراخ روی دیوار یا پرده در وجه مقابل سوراخ در داخل اتاق منعکس می‌نمودند. اين تصوير يه صورت معكوس و بسته به قطر سوراخ وضوح بيشتر يا كمتري داشت به صورتيكه هرچه قطر سوراخ كمتر بود، وضوح بيشتر و يا به عكس با افزايش قطر سوراخ تصوير روشنتر با وضوح كمتري حاصل ميگشت.البته این دستگاه بیشتر برای نمايش و نقاشي به كار ميرفت و نقاشان اروپايي با نشاندن سوژه در جلوي سوراخ يا قرار دادن اطاقك در روبروي مناظر و نصب پرده بوم در قسمت داخلي روبروي سوراخ، مناظر روبرو را نقاشي ميكردند(خود نقاش درون اطاقك قرار داشت)اين دستگاه هرگز کار عکاسی را انجام نمی‌داد.مخترع اطاق تاريك دانشمند مسلمان ابن هيثم بود كه در مكتوبات لاتين به پدر علم مدرن اپتيك (الحسن) معروف ميباشد.  بعدها این اتاق تاریک در ابعاد کوچک‌تر تبدیل شد به دوربین عکاسی. یعنی در برابر روزنه‌ای که وجود داشت ماده حساس به نور قرار می‌دادند تا تصاویر بازتابش یافته ثبت و ضبط شوند. در روند تکاملی دوربین، از عدسی و [لنز](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%84%D9%86%D8%B2) در جایی که روزنه قرار داشت استفاده شد. مواد حساس به نور به فیلم‌های عکاسی امروزین تبدیل شدند که در انواع سیاه و سفید و رنگی (نگاتیو) و [اسلاید](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AF&action=edit&redlink=1) (پوزتیو) موجود است. [نگاتیوها](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%AA%DB%8C%D9%88&action=edit&redlink=1) طی فرآیند دیگری در آزمایشگاه (لابراتوار) به عکس تبدیل می‌شوند.در ابتدا از [آمونیوم دی‌کرومات](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D9%85%D9%88%D9%86%DB%8C%D9%88%D9%85_%D8%AF%DB%8C%E2%80%8C%DA%A9%D8%B1%D9%88%D9%85%D8%A7%D8%AA) برای مواد حساس استفاده می‌شد ولی بعد به [نیترات نقره](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%86%DB%8C%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%AA_%D9%86%D9%82%D8%B1%D9%87&action=edit&redlink=1) تغییر یافت. این روند ادامه یافت تا با پیدایش [دوربین دیجیتال](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D9%86_%D8%AF%DB%8C%D8%AC%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84) از [حسگرهای](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D8%B3%DA%AF%D8%B1) حساس به نور به جای [فیلم](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%DB%8C%D9%84%D9%85) استفاده شد و دوربین‌های دیجیتال گسترش چشمگیری یافت اما فیلم‌های عکاسی هنوز جایگاه خود را دارند.  **نحوه کار دوربین‌های اولیه**  در سال ۱۵۶۸ دانیلو باربارو این اتاقک تاریک را با یک عدسی و یک دریچه قابل تغییر مجهز نمود. بدین وسیله می‌توانست تصاویر را واضحتر به درون اتاق منعکس کند. در سال ۱۸۰۲ توماس وج وود و همچنین همفری دیوی با استفاده از کاغذ مخصوص تصاویر غیر ثابتی بدست آوردند. این کاغذ آغشته به محلولی بود که هرگاه در برابر نور آفتاب قرار می‌گرفت، رنگ اصلی خود را از دست می‌داد و به کلی سیاه می‌شد. آنگاه چون بر روی این کاغذ تصویر یا جسمی را قرار می‌دادند، قسمت‌هایی که از تابش نور مصون مانده بود، به رنگ خود باقی می‌ماند و اما سایر قسمت‌های کاغذ سیاه می‌شد. بدینگونه شبح نوری از اجسام بر روی آن کاغذ عکاسی می‌شد. با این روش تصویری بدست می‌آمد که آن نیز به مجرد نور دیدن، رنگ خود را از دست می‌داد و کاغذ یکپارچه سیاه می‌شد.  **سیر دگرگونی و رشد**  در سال ۱۸۱۶ جوزف نییپس با یک جعبه جواهرات یک دوربین بسیار ابتدایی ساخت و آن را با ذره بین، میکروسکوپ نوری مجهز نمود. با این دستگاه او می‌توانست فقط عکسهای منفی بردارد. سرانجام ویلیام تالبوت نخستین کسی بود که توانست عکسهای مثبت هم بردارد، عکسهایی که ثابت و دائمی هم باقی می‌ماندند. این رویداد در سال ۱۸۳۵ رخ داد. در سالهای بعد دوربینهای پیشرفته‌ای به بازار عرضه شده و می‌شود.    **افراد مهم در توسعه عکاسی**   * [ابن هیثم](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D9%87%DB%8C%D8%AB%D9%85) - رساله فی صورة الکسوف * [یوهان هاینریش شولتسه](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%DB%8C%D9%88%D9%87%D8%A7%D9%86_%D9%87%D8%A7%DB%8C%D9%86%D8%B1%DB%8C%D8%B4_%D8%B4%D9%88%D9%84%D8%AA%D8%B3%D9%87&action=edit&redlink=1) - اثبات حساس بودن املاح نقره به نور * [نی یپس](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%86%DB%8C_%DB%8C%D9%BE%D8%B3&action=edit&redlink=1) * [داگر، لویی ژاک مانده](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%84%D9%88%DB%8C%DB%8C_%DA%98%D8%A7%DA%A9_%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%87_%D8%AF%D8%A7%DA%AF%D8%B1&action=edit&redlink=1) - داگروتایپ * [تالبوت ، هنری فاکس](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%87%D9%86%D8%B1%DB%8C_%D9%81%D8%A7%DA%A9%D8%B3_%D8%AA%D8%A7%D9%84%D8%A8%D9%88%D8%AA&action=edit&redlink=1) - کشف شیوه نگاتیو پزتیو ؛ نگاتیوهای کاغذی   **استفاده‌های عکاسی**  عکاسی موارد استفاده بسیار زیادی دارد.از جمله میتوان به عکاسی خبری، علمی، تفریحی و ثبت خاطرات و مستند سازی اشاره کرد.تا در پزشکی و هوا فضا و ...  **عکاسی در ایران**  ۳ سال پس از پیدایش عکاسی این هنر-صنعت در دسامبر ۱۸۴۲ به [ایران](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86) وارد شد. ناصر الدین شاه به این فن علاقه فراوانی داشت و خود نیز عکاسی می‌کرد. آلبومخانه [کاخ گلستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D8%A7%D8%AE_%DA%AF%D9%84%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) تعداد بسیاری از عکسهای بسیار قدیمی ایران را در خود دارد.[[۳]](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%DA%A9%D8%A7%D8%B3%DB%8C" \l "cite_note-2)  عکاسان پیش کسوت ایران   * [مسیو ژول ریشار](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D8%B3%DB%8C%D9%88_%DA%98%D9%88%D9%84_%D8%B1%DB%8C%D8%B4%D8%A7%D8%B1&action=edit&redlink=1) * [شاهزاده ملک قاسم میرزا](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%B4%D8%A7%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%AF%D9%87_%D9%85%D9%84%DA%A9_%D9%82%D8%A7%D8%B3%D9%85_%D9%85%DB%8C%D8%B1%D8%B2%D8%A7&action=edit&redlink=1) * [مسیو کارلیان](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D8%B3%DB%8C%D9%88_%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D9%84%DB%8C%D8%A7%D9%86&action=edit&redlink=1) * [ناصرالدین شاه](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%A7%D8%B5%D8%B1%D8%A7%D9%84%D8%AF%DB%8C%D9%86_%D8%B4%D8%A7%D9%87) * [آقا رضاخان اقبال‌السلطنه](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A2%D9%82%D8%A7_%D8%B1%D8%B6%D8%A7%D8%AE%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D9%82%D8%A8%D8%A7%D9%84%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%B7%D9%86%D9%87&action=edit&redlink=1) * [ژوزف پاپازیان](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%DA%98%D9%88%D8%B2%D9%81_%D9%BE%D8%A7%D9%BE%D8%A7%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D9%86&action=edit&redlink=1) * [آنتوان سوریوگین](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A2%D9%86%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%86_%D8%B3%D9%88%D8%B1%DB%8C%D9%88%DA%AF%DB%8C%D9%86&action=edit&redlink=1)   **ساختمان دوربین عکاسی**  دوربین عکاسی از یک اتاقک تاریک تشکیل شده که بر جدارهای آن یک عدسی محدب با فاصله کانونی ثابت قرار دارد. در جدار مقابل این عدسی فیلم و بین فیلم و عدسی [دیافراگم](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D8%A7%D9%81%D8%B1%D8%A7%DA%AF%D9%85) وجود دارد. علاوه بر این دوربین به دستگاه تنظیم فاصله (مسافت یاب نوری)، شاتر یا بندان، نورسنج (طیف سنج نوری) و منظره یاب مجهز است.  **طرز کار دوربین عکاسی**  در هنگام [عکسبرداری](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%DA%A9%D8%B3%D8%A8%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C) عدسی دوربین را جلو و عقب می‌بریم تا آنکه در منظره یاب تصویر واضحی از جسم مورد نظر دیده شود. در این حالت تصویری حقیقی و معکوس می‌تواند روی فیلم تشکیل شود که با فشار دکمه دیافراگم باز می‌شود و نور در مدت مشخص به فیلم می‌رسد و تصویر جسم را روی آن بوجود می‌آورد. در دوربین‌های مدرن به جای فیلم یک [حسگر تصویر](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AD%D8%B3%DA%AF%D8%B1_%D8%AA%D8%B5%D9%88%DB%8C%D8%B1&action=edit&redlink=1) قرار دارد.  **فیلم عکاسی**  فیلم عکاسی به گونه خاصی تهیه شده‌است یعنی آنکه مواد شیمیایی خاصی در بر دارد که نور می‌تواند بر آنها اثر بگذارد و تصویر خارجی بر آن نقش ببندد. یکی از بهترین روشهای عکسبرداری ([نورنگاری](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%86%D9%88%D8%B1%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C&action=edit&redlink=1" \o "نورنگاری (هنوز ایجاد نشده)))، آشکارسازی تابش به‌وسیله دانه‌های املاح [هالوژنی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%D8%A7%D9%84%D9%88%DA%98%D9%86" \o "هالوژن) نقره‌است. چرا که برای حساس کردن یک بلور هالوژنی نقره تنها چند فوتون کافی است. پس از آنکه یک فیلم نوردهی شد، مقدار تیرگی حاصل در یک خاص به عوامل زیر بستگی دارد:   * تابندگی به منظور نور دهی * طول موج تابش * مدت زمان نور دهی * شرایط ظهور فیلم * سازوکار ضبط تصویر روی فیلم   انرژی لازم برای تبدیل برومور نقره یا یدور نقره به نقره عنصری از ماده شیمیایی مورد استفاده در فرآیند ظهور فراهم می‌شود. پیش از ظهور اطلاعات بصورت یک تصویر نهان به شکل دانه‌های حساس شده روی شیشه یا فیلم ذخیره شده‌است. از ظاهر کردن فیلم یک تصویر منفی(نگاتیو) بدست می‌آید. [نگاتیو](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%AA%DB%8C%D9%88&action=edit&redlink=1) یعنی خلاف آنچه در صاحب تصویر دیده می‌شود. پس بنابراین قسمت‌های روشن صاحب تصویر بر روی فیلم تیره می‌افتد و برعکس قسمت‌های تیره آن بصورت روشن نقش می‌بندد.  چون دانه‌های املاح هالوژنی نقره به تنهایی فقط به نور آبی و نور فرا بنفش نزدیک حساسند، باید مواد رنگی یا رنگیزه‌هایی به آنها افزوده شود تا تابش بخش‌های دیگر بیناب را جذب کنند و برای حساس کردن دانه‌ها، مسیر فراهم آورند. فیلمهای فرو سرخ هم موجودند، ولی باید با مراقبت ویژه نگهداری شوند. چون به سبب حساسیت به گرما خیلی زود آسیب می‌بینند.  **چاپ عکس**  در مرحله چاپ فیلم، عکس مثبت (پوزیتیو) بدست می‌آید. پوزیتیو یعنی تصویری که درست مانند خود صاحب تصویر است. برای تهیه عکس مثبت، فیلم را بر روی کاغذ مخصوصی قرار داده، سپس از روی آن نوری را عبور می‌دهند. در نتیجه قسمت‌های تیره فیلم بر روی کاغذ، روشن و قسمت‌های روشن آن نیز تیره چاپ می‌شود. چنین تصویری درست مطابق همان شخص یا چیزی است که قبلا با دوربین عکس آنها را بصورت نگاتیو برداشته بودیم.  **انواع دوربین عکاسی**   * [آنالوگ](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D9%86_%D8%A2%D9%86%D8%A7%D9%84%D9%88%DA%AF&action=edit&redlink=1) * [دیجیتال](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D9%86_%D8%AF%DB%8C%D8%AC%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84)   **دوربین آنالوگ**  دوربینی است که بوسیله ی دست و یا دستگاه‌های مکانیکی خودش تنظیم میشود و دارای فیلم است.قابل ذکر است که این دوربین‌ها کیفیت بهتری نسبت به دوربین‌های دیجیتال دارند.  **دوربین دیجیتال**  دوربینی است که اطلاعات تصویر را بصورت ارقام عددی در نوعی ازحافظه کامپیوتری ذخیره مینماید. نحوه-ی کار دوربین‌های عکاسی دیجیتال بسیار مشابه کا دوربین‌های فیلمیِ قدیمی است. نور پس از عبور از لنز بر روی صفحه-ی حساس به نور می‌تابد. در دوربین‌های دیجیتال این صفحه-ی حساس یک «سنسور» الکتریکی است که همانند صفحه مانیتور (اما در جهت عکس) میزان فوتون‌های تابیده شده را به صورت یک جریان الکتریکی کالیبره شده به یک دستگاه مبدل می‌فرستد. مبدلِ آنالوگ به دیجیتال هم به نوبه-ی خود این اطلاعات را برای هر پیکسل به صورت عددی ما بین ۰-۲۲۵ (میزان روشنایی هر پیکسل) به کارت ذخیره سازی ارسال می‌کند. اطلاعات مربوط به تمام پیکسلهای یک سنسور که حتی به ۱۶ میلیون هم در برخی دوربینهای تخصصی-تر می‌رسد، در کنار هم کلیت تصویر ضبط شده را می‌سازند.  استفاده از [دوربین دیجیتال](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D9%86_%D8%AF%DB%8C%D8%AC%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84) در بین عکاسان آماتور و حرفه‌ای هر دو رواج یافته‌است. آماتورها به خاطر سهولت استفاده و کم شدن هزینه‌ها به دلیل عدم نیاز به فیلم از آن بهره می‌گیرند اما حرفه ای‌ها خصوصا خبرنگاران عکاس دلایل دیگری برای استفاده از دوربین دیجیتال دارند.سرعت عمل در انتقال تصاویر به رسانه‌ای که برای آن کار می‌کنند به دلیل حذف مراحل [ظهور](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B8%D9%87%D9%88%D8%B1) و [چاپ](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%86%D8%A7%D9%BE) و ادیت یا ویرایش سریع آن در رایانه از مهم‌ترین این دلایل است. درصد کمی از آماتورها هنوز از فیلم استفاده می‌کنند اما بسیاری از حرفه ای‌ها آن جا که نیاز به انتقال سریع تصاویر ندارند فیلم را ترجیح می‌دهند. به اعتقاد ایشان هنوز [حسگرهای](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%B3%D9%86%D8%B3%D9%88%D8%B1_%D8%AA%D8%B5%D9%88%DB%8C%D8%B1&action=edit&redlink=1) [دیجیتال](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D8%AC%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84) نمی‌تواند همهٔ کیفتی را که فیلم منتقل می‌کند عرضه کنند و نقایصی در این خصوص وجود دارد. اما با تحول سریع و چشمگیری که در عرصه دیجیتال شاهدیم این فاصله به سرعت رو به کاهش است .  **نقش نور در عکاسی**  اجسام گوناگون موجود در طبیعت دارای سه بُعد طول، عرض و ارتفاع هستند که مجموع این ابعاد، حجم را به وجود می‌آورد. اما هنگامی که اجسام به تصویر در می‌آیند، خصوصیات سه ‌بُعدی آنها بر روی سطحی دو بُعدی نمایان می‌شود. درست است که توقع نداریم ابعاد حجم را در تصویر لمس کنیم، اما به کمک سایه‌روشنهایی که بر روی حجم مورد نظر تشکیل می‌شود، می‌توان احساس حجم و برجستگی را در تصویر ایجاد کرد.  حجم‌هایی که به طور یکنواخت و یکدست روشن ‌شده باشند و یا به طور یکدست در سایه قرار گیرند در تصویر از برجسته‌نمایی مطلوبی برخوردار نیستند. بنابراین، نور در عکاسی معماری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.  اغلب عکاسان برای عکاسی معماری و منظره مایل به استفاده از نور مایل صبحگاهی یا هنگام عصر هستند چرا که این نور کنتراست متعادلی دارد. اما نور نیمه‌ روز به خصوص در فصل تابستان شدید است و سایه‌هایی عمیق ایجاد می‌کند. در عکاسی معماری ایده‌آل آن است که نمای اصلی ساختمان و یا قسمتی که در تصویر مورد توجه اصلی قرار می‌گیرد، در معرض تابش نور قرار گرفته و در سایه نباشد.  عکاسی دارای سه ویژگی علمی، صنعتی (اقتصادی) و هنری است. عکاسی به عنوان یک پدیده علمی تولد یافت و به شکل یک صنعت گسترش یافت و همچنین جنبه‌های هنری نیز در آن ظهور کرد.  **گزارش بصری**  **چکیده**  عکاسی خبری شکل خاصی از روزنامه نگاری است (جمع آوری، ویراستاری و ارائه موارد خبری برای چاپ یا پخش همگانی) که تصاویر به منظور بیان یک داستان جمع آوری می‌شوند، عکاسی خبری امروزه فقط به عکسهای ساکن و در برخی موارد به فیلمهای تصویری در روزنامه نگاری بخش گسترده اطلاق می‌شود.  عکاسی خبری از سایر شاخه‌های عکاسی مانند عکاسی هستند، عکاسی خیابانی یا عکاسی از اشخاص مهم به سه دلیل متمایز می‌شوند:  Timliness: یعنی تصاویر در بافت یک رویدادی که به تازگی ثبت شده است دارای معنا می‌باشند .  Objectivity: موقعیتی که توسط تصویر بیان می‌شود یک ارائه دقیق و صحیح از رویدادی است که آن را شرح می‌دهد.  Narrative: تصویر با سایر عناصر خبری ترکیب می‌شود تا واقعیاتی مرتبط برای خواننده یا بیننده در یک سطح فرهنگی بسازد.  همانند یک نویسنده، عکاس خبری یک گزاش گرمی باشد اما باید تصمیم‌گیری سریع و آنی داشته باشد و تجهیزات عکاسی همراه داشته باشد و اغلب در معرض موانع بزرگی است (خطرات طبیعی، هوا، آشوب)    **تاریخچه (1)**  در طی دهه 1920 و 1930 مجله Nqtion‌ عکسهائی در مورد فقر مرد تهیه کرد که تیتر آنها "news" بود.و پس از آن نشریه Life‌متعلق به Henry Luce در سال 1936 تا 30 سال مهمترین نشریه عکاسی بود. والکر اوانس Walker Evans شروع به عکاسی مستند و گزارشی نمود در طی دهه 1920 و به نشریه Fortune‌ پیوست که تصاویر وی از ناحیه روستایی آلاباما مشهور است. در طی 40 او به Time‌پیوست.عکسهای هنری دورتالانک Dorthea Langne نیز مشهور است از دانشگاه کلمبیا 1917 نشریه Life گوردن پارک نیز اولین عکاس سیاه پوست بود Life‌ برای حقوق بشر عکسهای وی از تورکینگ و مالکوم ایکس مشهور است.دهه طلایی عکاسی خبری در دهه 1970 هنگامی که لایف و سایر مجله‌ها در رقابت با سایر رسانه‌ها در کسب تبلیغ شکست خوردند (بخاطر هزینه زیاد)  خبرهای دیدنی نه خواندنی  نویسندگان و منتقدان اجتماعی عقیده دارند، از سال 1842 که تصاویر جای خود را در روزنامه‌ها باز کردند، واژه‌ها به تدریج مفاهیم خود را از دست داده‌اند. اهل ادب بر این باور است که وابستگی به تصاویر برای کسب اطلاعات، جهان متمدن را با سیری قهقرایی به دوران قرون وسطی باز خواهد گرداند. در سال 1926 یکی از منتقدان در این باره گفت: «استفاده از عکس برای القای مطلبی هوش اجتماعی را به دورانی باز می‌گرداند که در آن هنوز الفبا اختراع نشده بود و مردم از تصاویر برای بیان موضوعی استفاده می‌کردند. این روش مورد پسند عوام است ولی برای متفکران و فرهیختگان نه تنها سودی ندارد بلکه قدرت تفکر را نیز از آنها خواهد گرفت».  با وجود چنین انتقاداتی، تصاویر به پیشرفت خود در عالم رسانه‌ها ادامه دادند و مطبوعات را به تصرف خود در آورند. اختراع وسایل و تجهیزات پیشرفته در صنعت عکسبرداری و فیلمبرداری و کاهش زمان در ثبت و چاپ تصاویر باعث شد افراد بیشتری مسحور تأثیرات شگرف آن شوند.  حقیقت آن است که ظاهر شدن تصاویر یک واقعه در برابر دیدگان انسان می‌تواند به اندازه مشاهده خود آن واقعه روی روح و فکر انسان تأثیر گذارد و قلب او را به تپش اندازد، کاری که از دست واژگان و عبارات بر نمی‌آید. چنین چیزی اکنون در همه جا دیده می‌شود؛ از کتاب داستان کودکان گرفته تا تصاویر تکان دهنده یک قتل عام.  اواخر دهه بیست میلادی و نیز سراسر دهه سی زمانی بود که رشد مجله‌های مصور به اوج خود رسید و شهرتی بی سابقه یافت. نمایشگاهی در مرکز بین‌المللی عکاسی در آمریکا این ادعا را به بهترین شکل تأیید می‌کند. در این نمایشگاه که «شکوفایی مطبوعات مصور» نامیده می‌شود، تحولات کاربرد تصاویر در مطبوعات از سال 1918 تا 1939 با استفاده از یکصد و سی نشریه اروپایی و آمریکایی به نمایش گذاشته شده است.  توضیحاتی که روی دیوار در زیر تصاویر آمده است نقشی حاشیه‌ای دارند و کمتر کسی به آنها توجه می‌کند.  این نمایش بهترین روش برای نشان دادن سیر اوج گیری به کارگیری تصاویر در وسایل ارتباط جمعی است. نشریات آن دوره به خوبی چگونگی نفوذ جنبش‌های هنری اوایل قرن بیستم بر مطبوعات را آشکار می‌سازند.  برای رسیدن به درکی صحیح از اهمیت عکاسی مطبوعاتی در قرن بیستم باید به سراغ نمایشگاه کلوتز سیرمون در چلسی آمریکا رفت. در این نمایشگاه بیش از 200 عکس آرشیوی روزنامه نیویورک تایمز تحت عنوان «خاطرات یک قرن» به نمایش گذاشته شده است. گرچه این تصاویر از متون خود جدا شده‌اند ولی هنوز به طور کامل بازگو کننده خبر خود هستند. اهمیت فوق العاده تصاویر مطبوعاتی برای سال‌ها ادامه یافت تا اینکه اوایل دهه هفتاد با ورود تلویزیون به عرصه ارتباطات جمعی به حاشیه رانده شد و اهمیت سابق خود را از دست داد.  نشریات تصویردار در دهة 20 میلادی پدیده تازه‌ای به شمار نمی‌آمد، آنچه که جدید به نظر می‌رسید ظهور این فکر بود که می‌توان نه با نگارش بلکه از طریق عکاسی جهان را گزارش داد.  «الکساندر لیبرمن» سر دبیر مجلة فرانسوی «وو» در دهه 20 می‌گوید: «در آن سالها عکاسی حرف اول را می‌زد، خبرگزاری‌ها عکس را می‌فرستادند، کارکنان نشریه آن را برای چاپ آماده می‌کردند و مدیران هنری سعی می‌کردند تا بدون لطمه خوردن به زیبایی تصویر مکان مناسبی را در صحنه برای آن در نظر بگیرند».  مجله‌های آمریکایی دهه 1860 جزو پیشقراولان استفاده از تصاویر به شمار می‌روند. در طول جنگ داخلی این کشور ده‌ها تصویر در این مجلات به چاپ رسید ولی در آن زمان فناوری قرار دادن تصاویر در کنار متن وجود نداشت و به همین علت تصاویر جداگانه چاپ می‌شد.  با وجود سانسور شدیدی که در طول جنگ جهانی اول بر مطبوعات حاکم بود مردم برای مشاهده تصاویر صحنه‌های جنگ عطش شدیدی داشتند. پس از پایان جنگ «ریدرز دای جست» ‌و مجله «تایم» با چاپ عکس‌های گوناگون،‌خوانندگان زیادی را به خود جذب کردند زیرا مردم علاقه داشتند در مدت زمان کوتاهی اطلاعات زیادی کسب کنند. و این کار با استفاده از تصاویر امکان پذیر بود.  در اواخر دهة 20، نشریات اروپایی به ویژه آلمانی با به کارگیری ابتکارات و اختراعات از همتایان آمریکایی خود پیشی گرفتند. در گذشته عکس‌ها به صورت ساده و افقی به چاپ می‌رسید ولی اروپایی‌ها در طراحی صفحه دگرگونیهایی به وجود آوردند.  گاهی اوقات تعداد زیادی عکس در یک صفحه به چشم می‌خورد به شکلی که قسمتی از هر عکس روی عکس دیگر قرار می‌گرفت و در مجموع دایره‌ای را تشکیل می‌دادند. عکس‌ها به صورت زاویه دار در صفحه به کار می‌رفتند و هر روز طرح تازه‌ای مودر استفاده قرار می‌گرفت. جلد مجلات نیز از ابداعات جدید بی نصیب نماند. در برخی موارد جلدها از تصویر بزرگ شخص یا شی پر می‌شد که بر خلاف گذشته، از محدوده کادر خود فراتر می‌رفت و تیتر خبر را نیز در بر می‌گرفت. هر چند وقت یک بار ، تصویر یک سر یا یک جفت پا که به نظر می رسید به طرف بیننده از مجله بیرون زده است در جلد مجلات ظاهر می‌شد. بدون شک چنین ایده‌ای از فیلم‌‌هاي‌آن زمان گرفته شده بود.  در مدت کوتاهی موضوعاتی نظیر بلایای آسمانی، مناظر شهری، جنگل‌ها، مراسم ویژه و سکس به صورت فرمولی در آمد که تصاویر نشریات را به خود اختصاص داد.  به تدریج و با گذشت زمان دایره استفاده از تصاویر گسترش یافت و به جایی رسید که برای هر موضوعی حتی کم اهمیت و پیش پا افتاده – عکس‌هایی تهیه و به چاپ می‌رسید . از تصاویر دهشتناک قربانیان جنگ داخلی اسپانیا گرفته تا نشان سیگار «کملز» همگی راه خود را در نشریات باز کرده بودند.  تأثیر تصاویر منتشر شده در باره ظهور و رشد فاشیسم در اروپا غیر قابل انکار است. روزنامه آلمانی «نئوایلاستریته» در سال 1933 روی جلد خود نوشت:  «چه کسی آریایی است؟ و در کنار آن عکسی از چهرة مردی به چاپ رساند که ابعاد صورتش به وسیله کولیسی اندازه‌گیری می‌شد. در انگلیسی مجله «لی‌لی پوت» عکس هیتلر را در مقابل الاغی قرار داد که شباهت بسیاری به او داشت. شکوفایی مطبوعات مصور نقش مهم تصاویر را به عنوان ارتباط برقرار کننده‌های خبری و تفننی به اثبات رساند. چنین نقش مهمی امروزه نیز وجود دارد و با پیوستن تصاویر تلویزیونی و اینترنتی تأثیر آن صدها برابر افزایش یافته است.    **تاریخچه (2)**  تصویرگری داستانهای خبری با عکس بر اثر اختراعات چاپ و عکاسی در طی دهه‌های 1880 و 1897 امکان پذیر شد. و از طی دهه 1850 اخبار مهم با عکس همراه شدند، روزنامه‌های چاپی از دهه 1880 شروع به گراور سازی کردند. عکاسی اخباری قدیمی را باید به وسیله گراور دوباره سازی می‌کردند تا قابل چاپ باشد.  اولین عکاس خبری Carol Szathmari بود که در طی جنگ کریمه (1856 – 1853) عکاسی نمود. و اگر او به کاخ سلطنتی اروپا فرستاده شد و تنها عکسهای اندکی از وی باقی مانده‌اند عکاس بعدی گزارشگر بریتیش پرس در همان جنگ Roger Fenton , Jinstrated London news بود که عکسهای وی به صورت گراور چاپ شدند. همچنین عکسهای Athew Brady از جنگهای داخلی آمریکا در Harper Weekly به صورت گراور چاپ از آنجا که مردم درخواست ارائه واقع گرایانه بیشتری از داستانهای خبری داشتند. (مری عادی بود که عکسهای با ارزش در نمایشگاهی به نمایش گذاشته شود و یا به تعداد محدودی چاپ می‌شدند).  در 4 مارچ 1880 نشریه (NewYork) the Daily graphic اولین عکس Halftone را به جای گراور چاپ نمود. نوآوریهای بعدی در سال 1887 اتفاق افتاد که Flash Powder اختراع شد و روزنامه نگاری مثل Jacob Riis را قادر نمود تا از سوژه‌های غیر رسمی در فضای بسته عکاسی کنند که منجر به اثر نوین Hoe the other half گردید. در سال 1897 استفاده از هاف تون در نشریات چاپی پر سرعت امکان پذیر گردید.  با وجود این نوآوریها، محدودیتها باقی ماند و بسیاری از داستانهای احساسی روزنامه‌ها و مجلات در طی دوره‌های 1897 تا 1927 با گراور تصویرسازی می‌شدند. در سال 1921 Wirephoto امکان انتقال تصاویر به سرعت اخبار را در طی سفر امکان پذیر ساخت. بهر صورت تا توسعه دوربین 35 م متری تجاری Leica‌ از سال 1925 و اولین Flash bulbs در طی 1927 تا 1930 بود که عصر طلائی عکاسی خبر آغاز شد.  **عصر طلائی**  در عصر طلائی عکاسی خبری برخی مجلات:Picture Post   لندن-Paris Match  پاریس-Arbeiter – illustrierte – Zeitung‌  برلین- Berliner برلین-Life  آمریکا-Sports illustrated  آمریکاو نشریات: The Daily morror  لندن-The NewYork Daily News   نیویورک-محبوبیت و شهرت عظیمی به دلیل استفاده از عکس بدست آوردند و عکاسانی مثل:  Robert Capa  Alfred Eisenstaedt  Margaret Bourke – White  W. Eugene Smith  اسامی شناخته شده‌ای شدند. هانری کارتیه برسون Henri Cartier – Bresson را برخی پدر عکاسی خبری می‌شناسند. اگر چه این عنوان برای برخی عکاسان دیگر نیز استفاده شده است مثل Eric Salomon که بطور مخفی از چهره‌های سیاسی در دهه 1930 عکاسی نمود.سرباز جنگی Tony Vaccaro نیز بعنوان یکی از برجسته‌ترین عکاسان جنگ جهانی دوم شناخته می‌شود. تصاویری که وی با Argus CB معمولی گرفت لحظات ترسناکی از جنگ را به تصویر می‌کشند که مثل عکس سربازی است که کاپا از تیر خوردن وی گرفته شده است خود کاپا در روز D. Day‌ (1994) متفقین در فرانسه پیاده شدند، در ساحل افتاده بود.  تا دهه 1980 اغلب روزنامه‌های بزرگ به وسیله تکنولوژی لترپرس با استفاده از جوهر روغنی که به راحتی کثیف می‌شد چاپ می‌شدند و کاغذ روزنامه‌ای با کیفیت پایین و سفید چرک و صفحات گراوری درشت و خشن چاپ می‌شدند. از آنجا که چوب لترپرس متنهای خوانا تهیه می‌شد، نقطه‌های گراورهائی که تصاویر را تشکیل می‌دادند اغلب رنگ می‌دادند یا محو و کم رنگ بودند و نامشخص و مبهم بودند . بدین ترتیب حتی از عکسها با برشی خوب و اندازه‌ای مناسب استفاده می‌نمودند. تیره و تار بودن عکس اغلب باعث می‌شد تا خوانندگان توضیحات را بخوانند تا بفهمند که عکسها در باره چی هستند.  در سال 1979 وال استریت ژورنال از Stippled bedcuts نقطه چین استفاده نمود تا تصاویر پورتره را چاپ کند و از محدودیتهای چاپ لترپرس رهائی یابد . اما تا دهه 1980 اکثر مطبوعات از چاپ "Offset" استفاده نکردند که علتهائی با دقت بیشتر بر روی کاغذ سفید چاپ می‌کرد.  بر عکس لایف، یکی از محبوب ترین مجلات هفتگی آمریکا تا دهه 1970 پر از علتهایی بود که به زیبائی در صفحات اورسایز 14×11 اینچ چاپ می‌شد و از صفحات خوب گراور، جوهرهای مرغوب و صفحات گلاسه استفاده می‌کرد. لایف اغلب یک UPI یا AP ، United press international یا Associated Press‌ چاپ می‌کرد که ابتدا در روزنامه‌ها چاپ شده بود اما کیفیت نسخه مجله به نظر می‌رسید که متفاوت است.  تا حدی به این دلیل که عکسهای عکاسان مجله‌ای به اندازه کافی واضح بود و اسم آنها همراه با عکس می‌آمد موقعیتی نزدیک به ستارگان پیدا کردند.  لایف به صورت استانداردی در آمد که مردم در مورد عکس نظر می‌دادند و بسیاری از کتابهای عکاسی خبری از آن به عنوان عرصه انحصاری عکاسان مجله‌ای یاد می‌کنند.  برای مثال The Best of life (1973) با دو صفحه (1960) نمای گروهی از تقریباً 39 عکاس Life شروع می‌شود اما 300 صفحه بعد نام عکسها نشان می‌دهد که اکثر علتهای لایف بست توسط عکاسان ناشناس UPI و AP گرفته شده‌اند.  حتی در طی دهه طلایی ، به دلیل محدودیتهای چاپ و سیستمهای AP و UPI بسیاری از عکاسان روزنامه ها در یک گمنامی نسبی بسر می‌بردند.  **اداره کشاورزی**  از 1935 تا 1942 Fatm Security dministration و سلف متصدی قبلی آن اداره استان Resettlement Ad بخشی از طرح جدید فرانکلین روزولت بود بودند و به منظور توجه به مشکلات کشاورزی و فقر روستائی همراه با رکود اقتصادی بزرگ طراحی شده بودند. یک بخش خاص عکاسی این اداره به وسیله Roy Stryker سرپرستی می‌شد که صرفاً به منظور روابط عمومی برنامه‌های آن بود اما به جای آن چیزی به وجود آمد که برخی آن را بزرگترین مجموعه علتهای مستند که تاکنون در آمریکا بوجود آمده بود در نظر می‌گیرند. اگر چه این کارها را بتوان «عکاسی خبری» نامید مورد تردید است. چرا که اکثر عکاسان FSA زمان و منابع بیشتری داشتند تا آثار خودرا خلق کنند نسبت به آنچه که اکثر عکاسان خبری دارند.  پذیرفته شدن  توسط دنیای هنر  از اواخر دهه 1970 عکاسی خبری و عکاسی مستند بطور فزاینده‌ای در موزه‌های هنری جای خود را در بین عکاسی هنرهای زیبا Luc Delahaye و Vll Photo Aggncy‌و Chien – chi chang مثالهایی از بسیاری از عکسهائی است که بطور منظم در گالریهای نمایشی داده می‌شدند.      **عکاسی خبری چیست؟**    عکاسان خبری شرایط زندگی بشر را نشان می‌دهند، مردم در حال تفریح، انسانهای در حال جنگ‌، شادیهای ما و غم و اندوه‌ها، عکس مشهور در وئنالانگ (Dorothea Langes) چیزی بیش از یک مهاجر فقیر را نشان داده است. مادر هفت فرزند با یک زندگانی پر از فلاکت در کالیفرنیا و 32 سال سن . این نمایشی غم آلود از احساس بزرگ افسردگی در سالهای 30 می‌باشد. این چهره ناامیدی است. عکاسی خبری به این منظور از دوربین استفاده می‌کند تا به ما تصاویری ارائه دهد که در آن اطلاعات و آگاهی در باره مردم، ماجراها و نظرات گوناگون فراهم آمده باشد. عکاسی خبری دنیا را در عبارات بصری می‌بیند و به تصویر می‌کشد.  عکسهای گزارشی و خبری خوب باید صادق، آگاهی دهنده و جالب بوده و دارای اثر شدید بوده یا قابل توجه باشند. آنها ممکن است آموزش دهنده یا سرگرم کننده باشند آنها دارای ویژگیهای فنی ممتاز هستند.  عکاسان خبری مردم را می‌شناسند و اینکه آنها چگونه زندگی می‌کنند، کار می‌کنند و تفریح می‌کنند. عکسهای آنها بازتاب این حساسیت و بینش آنها می باشد. داستانگوی تصویری همچنین با تجهیزات و ساز و برگ خود آشنایی کامل دارد و می‌داند که چه لنزهایی و سرعت شاتر (مسدود کننده) و یافراگمی برای گرفتن هر عکسی مناسب می‌باشند.  **عکس جهانی است**  از زمانهای قدیم انسانها از تصاویر برای ضبط افکار و تجربیات خود استفاده می نمودند . تصاویر شکار حکاکی شده بر روی دیوار غارها، زنهای عزادار کشیده شده بر روی سفالها، مراسم نقاشی شده بر روی چوب و پارچه‌های کرباس نمایانگر این موضوع می‌باشند. میلیونها نفر از زن و مرد امروزی نیز مانند گذشتگان عکس می‌گیرند . ما نیز تصاویر را بر روی دیوار خانه‌هایمان نصب می‌کنیم و آنها را برای نزدیکان و دوستان دور از خود ارسال می‌کنیم تا با آنها ارتباط برقرار نمائیم. عکسها بازگو کننده داستانهای ما می‌باشند. آنها یک زبان جهانی هستند.  عکسها توانائی ها را افزایش می‌دهند. آنها به ما این امکان را می‌دهند تا وقایعی را که به تاریخ پیوسته است مشاهده کنیم و به مکانهائی مسافرت کنیم که هیچگاه آنها را نخواهیم دید. احساسات دیگران را تجربه کنیم ، آنها ذهنیت را شکل بخشیده و احساسات را منتقل می‌سازند عکس در وتالانگ (Dorothea Lange)‌از مادر و فرزندانش از یک خانواده فقیر مهاجر کارگری ما را نیم قرن به عقب می‌برد و احساس افسردگی را بوسیله نشان دادن چهره دوستانه یک مادر به ما نشان می‌دهد که از شدت بدبختی مسنتر به نظر می‌رسد و به آینده‌ای نگاه می‌کند که به نظر می‌رسد هیچ امیدی در آن نیست.  امروزه داستانگویان تصویری برای روزنامه‌ها، مجلات و ایستگاههای تلویزیونی کار می‌کنند که ما آنها را عکاسان خبری (Photo Journalists)‌ می‌نامیم. آنها زبردستی و کاردانی یک روزنامه نگار و یک عکاس را با هم ترکیب می‌کنند. خبرنویسان در جستجوی تسخیر و بدست آوردن جوهر وقایع در قالب کلمات می‌باشند. عکاسان خبری از دوربین بهره می‌گیرند تا جوهر وقایع را در قالب تصویر بیان نمایند. در مجلات و روزنامه‌های کوچک روزانه، گزارشگران از عکاسان توقع دارند که داستانهای آنها را به وسیله عکس مصور سازند.  عکسها به همان خوبی که اطلاع دهنده می‌باشند، آشکار کننده نیز هستند. آنها به ما اجازه می‌دهند تا با انسانهای متفاوت از خودمان زندگی کنیم. رویدادهائی را که در نیمکره دیگر زمین اتفاق می‌افتند مشاهده کنیم و آنهایی را که بسیار کوچکتر و بسیار سریعتر از آن هستند که چشم و مغز ما بتواند آنها را در حالت عادی و طبیعی خود مشاهده و درک نماید. عکسها پرش یک رقصنده باله، جنینی در شکم مادر و پایان یک مسابقه سرعت بسیار نزدیک را برای ما ثبت می‌کنند.  تصاویر عکاسان خبری ما را قادر می‌سازند که وقایع را درک و احساس نموده و با آنها احساس یکی بودن پیدا نمائیم. آنها این کار را به وسیله استفاده از صحنه رویداد و یا منظم نمودن و نمایش احساسات و حالات، زبان حرکتی و بدنی کسانی که درون عکس قرار دارند انجام می‌دهند.  عکاس خبری مقداری از احساسات شخصی خود را به ما منتقل می‌سازد. گاهی اوقات یک عکس خبری بصورت سمبل بیان موضوعات و مشکلات مربوط به یک دوره از تاریخ در می‌آید.  عکسهای درون متن کتاب به ما چیزهائی خواهند آموخت در باره اینکه چگونه یک عکس خوب بگیریم و همچنین آنها چیزهائی فاش می‌سازند در باره اینکه چه کارهائی باید انجام داد تا تبدیل به یک عکاس خبری خوب شد.  یک عکس خوب اول از همه یک تصویر و نمایش حقیقی از یک واقعه است . این عکس یک ضبط تصویری از ماجرائی است که عکاس خبری در صدد گزار نمودن آن می‌باشد. علاوه بر این عکس را می‌توان خوب دانست که جالب، آگاهی دهنده یا آموزشی باشد. همچنین عکس خوب می‌تواند سرگرم کننده باشد.  عکس خوب دارای اثر شدید می‌باشد، این عکس دارای یک پیام است. این عکس دارای نکات ویژه می‌باشد و از اصول مربوط به علم زیبائی شناسی پیروی می‌کند. عکس خوب استفاده صحیح و مناسبی از تاریکی و روشنائی، از خط افق – خطوط منحنی و مورب می‌نماید در یک عکس خوب هماهنگی و ضربآهنگی منطقی وجود دارد و دارای یک نقطه تمرکز (جلب توجه) می‌باشد.  تصاویر نقش بزرگی در پدید آمدن و رشد مجله دیلی نیوز (Daily news) بازی نمودن یکی از پر تیراژترین نشریات روزانه که در آمریکا چاپ می‌شود. بنیانگذار مجله نیوز ژوزف مدیل پاترسن (Toseph nedill patterson) ناشر مجله شیکاگو تریبون (Chicago tribune) یکی از مشتاقان ثابت قدم سینما بود. او بقدری تحت تأثیر تصاویر متحرک قرار گرفت که باعث شد مجله نیوز را در سال 1919 به مثابه یک روزنامه تصویری بنیاد نهاد.  بعضی از عکسها همان تأثیری را بر ما می‌گذارند که یک ترانه و آهنگ و سمفونی، یک رمان یا یک داستان کوتاه دارند .  عکس خبری غرق شدن کشتی جنگی آریزونا (Arizona) در بندرگاه پیرل (Pearl) تصویرگر به زانو در آمدن ایالت متحده آمریکا می‌باشد. و آغازگر یک کوشش و تلاش برای تجدید حیات بوسیله یک مبارزه قدرتمند بود.  عکس آرتور روتشتاین (Arthur Rothstein) از یک کشاورز و فرزندانش که راه خود را از میان طوفان و شنهای روان پیدا می‌کنند بصورت سمبلی از کوشش و تلاش کشاورزان کشور درآمد هنگامی که خاک وزنده جنوب غرب کشور را تبدیل به یک صحرای خشک نمود کودکان پابرهنه و فرزند کوچکتر که دستهای خود را در برابر شنهای آزار دهنده محافظ چشمان قرار داده است و لباسهای بدقواره پدر و ناامیدی از کلاه لبه پهن برای محافظت در برابر طوفان شن داستان را برای ما بازگو می‌کند. عکسهائی مانند این یکی، مردم را از ضرورت تجدید اسکان مناطق روستایی آگاه نمود و مجلس را وادار نمود تا قوانین جدیدی برای بهبود وضع کشاورزان وضع نماید.  عکس موریس برمن (Morris Berman) از اخراج بازیکن برتر خط حمله در مسابقات و فصل بازی نمونه‌ای از یک عکس خوب است بدن نم شده و صورت در هم کشیده به ما می‌گوید که قهرمان می‌داند که سرعت و چالاکی وی از بین رفته است و بدن دیگر بیش از این کشش و توانائی ندارد.  **گزارش بصری**  عکاس خبری بطور وضوح باید قادر باشد که اخبار را شناسایی نموده و آنها را در یک قالب بصری منجمد نماید که به شکل خبری و تازه در آید، باید اضافه نمود که طبق نظر رونشتاین هنرجوی با ذوق در حرفه عکاسی خبری باید دارای یک خصوصیات خلاقانه بوده و دارای یک توجه و تمرین عملی در این زمینه باشد. عکاس خبری باید اطلاعاتی در مورد ابزارآلات عکاسی داشته باشد تا اشتباهات خود را به حداقل کاهش دهد. داشتن آگاهی در زمینه نور، دید (Optic) و شیمی عکاسی لازم است.  رونشتاین گفته است عکاس خبری باید استعداد و توانائی این را داشته باشد که وقایع و افکار را به تصویر کشد در یک قالب بصری غیر معمولی. او می‌گوید «مهمترین مسئله عبارت از این است که داشتن شناخت در باره زندگی انسان و اینکه چگونه زندگی می‌کند، کار می‌کند و تفریح می‌کند.  آگاهی و داشتن باید بر اساس حساسیت فرد بنا گردد، توانایی احساس همانندی با چیزی که باید به تصویر کشیده شود. مایکل گیسینگر (Michel Geissinger از دانشکده عکاسی موسسه تکنولوژی روچستر (Rochester) می‌گوید: «هر عکاسی در هر شرایطی باید شرکت کننده ثالث در ماجرا باشد.» گیسینگر می‌گوید: عکس خبری از زن در حال انتظار شنیدن اخبار از مردانی که در محوطه معدن به دام افتاده‌اند، محوطه معدن «یک مثال از احساساتی که عکاس باید تجربه کند تا بتواند یک عکس عمیق تهیه نماید».  عکس مظلومیت و تحت فشار بودن یک زن را به تصویر می‌کشد و در حقیقت نمایشگر تمام کسانی است که به سمت ناشناخته و مبهم با ترس و وحشت نگاه می‌کنند. نور مستقیم و زننده دستهای اندوهگین که به نظر می‌رسد که نمی‌دانند با یکدیگر چکار کنند، همچنان که کلود کوک مَن می‌گوید، (Claude cookman) تمام اینها ما را آماده می‌کند برای شنیدن اخبار وحشتناک مرگ در زیر زمین : این انفجار جان 11 معدنچی را گرفت.  **اخبار دست اول خلاصه**  هنگامی که کن پاپالئو (Ken Papaleo) برای پوشش دادن خبری در مورد کنفرانسی که در آن گری هارت (Gary Heart) کنار کشیدن خود را از انتخابات ریاست جمهوری به عنوان نماینده دموکراتها اعلام نموده پاپالئو توانست اضطراب را در چهره خانم هارت برای خوانندگان به تصویر کشد. خوانندگان مجله (Rocky Moutain) . عکس بسیار قدرتمند بود زیرا کناره‌گیری هارت به مانند نتیجه افشاگریها در باره ارتباط وی با یک زن جوان بود.  یک عکس خوش شانس؟ به سختی، سایر عکاسان در جلوی میزی که هارت سخنرانی نمود مستقر شده بودند. پاپالئو از دیگر عکاسان جدا می‌شود، جایی که هیچ عکاس دیگری وجود نداشت و به این صورت او توانست عکس هارت و همسرش را به دست آورد. عکس او از خانم هارت یک عکس منحصر به فرد بود. این روش بعداً وقتی مهارت دوباره به مبارزات انتخاباتی باز می‌گردد، در میان عکاسان شایع می‌شود و بسیاری از عکاسان دوربینهای خود را به سمت خانم‌ هارت بر می‌گردانند.  سام کالدول (Sam Caldwell) از مجله (St. Louis Post-Dispatch) از همین ایده استفاده نمود. عکس از عکس العمل – وقتی او مأمور شد تا از مصیبت وارد آمده بر معدنچیان گرفتار آمده در معدن را پوشش خبری دهد. عکس او از زنی که با صبری و وحشت به سمت معدن می‌نگرد بصورت یک عکس کلاسیک در آمد.  **کمک به خوانندگان**  کوک من (Cook man)‌ویراستار عکس و گرافیک در (Ap Wirephoto) و (The louis vill times) و (the Miami Herald) می‌گوید: «هر عکسی آمیخته‌ای از حداقل 2 حالت است : محتوا و جنبه تصویری» . برای روزنامه‌های محتوی باید مهم باشد.  جنبه تصویری به عقیده کوک من عبارت است از: «آموزش چشم و دارا بودن جنبه‌های تکنیکی به منظور ارتباط بخشیدن واقعیت مورد نظر با جالب ودن عکس از لحاظ دید». این جریان مستلزم اینست که عکاس خبری تشخیص دهد در انتخاب – جدا نمودن آنچه که مهم است، جدا کردن و حذف قسمتهای فرعی و نامربوط، استفاده از نور، ترکیب بندی – زاویه دوربین و فضا، عکاس خبری قادر است کمک کند به خواننده تا قسمت مهم را تشخیص دهد.  نقطه آغازین برای عکاسی خبری همان چیزی است که برای یک نویسنده خبری وجود دارد، بدانید که چه می‌خواهید بگویید و از نکات فنی و مهارت خود برای بیان آن استفاده کنید.  این همان چیزی است که عکاس خبری باید کاملاً در باره موضوعی که سعی می‌کند در عکس نشان داده شود آگاهی داشته باشد و باید شناخت کافی از نکات فنی عکاسی داشته باشد.  **تمرکز بر روی موضوع**  همانطور که خبر نویس از تکنولوژی جدید کمک می‌گیرد که به او در سرعت بخشیدن و مجهز نمودن افکار خود کمک کند از مرحله تایپ تا چاپ، عکاس خبری دوربینهای با امکانات فراوان، لنزهائی با تنوعهای حیرت انگیز، فیلمهای گوناگون و یک آزمایشگاه مجهز را بکار می‌گیرد که به او کمک می‌کند داستان را در قالب عکس بازگو نماید.  رونشتاین می‌گوید: اما این تکنیکها فقط برای آن استفاده می‌شوند تا آزادی عمل بیشتری بدست آید، استفاده از وسایل و ماشینهای مختلف گرفتن یک عکس را به حدی آسان نموده است که آنها (عکاسان خبری) بتوانند بر روی موضوع، ایده و ماجرا تمرکز کافی پیدا کنند.  تکنیکها و تکنولوژی به خودی خود تمام کننده نیستند، فرتیزلانگ (Fritz Lang) کارگردان سینما این موضوع را به مانند یک اصل اخلاقی و نتیجه استفاده از تکنیک بیان می‌کند و «هر حرکت دوربین باید یک علت، محرک و انگیزه و دلیلی داشته باشد».  **مصیبتی برای تازه کارها**  برای تازه کارها شروع کار آموختن با انداختن مترها عکس نمی‌باشد و همچنین گذراندن ساعتها در تاریکخانه . نقطه شروع از درون می‌باشد، فکر کردن ، احساس کردن و نگاه کردن قبل از اینکه دکمه شاتر فشرده شود و اینکه بدانید که شما چه چیزی را می‌خواهید نشان بدهید: این را افراد با تجربه می‌گویند، و اینکه بدانید که شما چه چیزی را می‌خواستید انجام بدهید و امتحان کنید که چه انجام داده‌اید با آنچه که در ذهنتان گذشته است از خودتان بپرسید: من با این عکس چه چیز را می‌خواهم تعریف کنم؟  کوک من می‌گوید: ساده بودن در تمامی انواع ارتباطات یک نوع فضیلت است «همچنین یک مکان خوب برای عکاسی وجود دارد، شروع کنید با ضبط آنچه که شما می بینید و برای شما جالب است و اغلب مواقع برای دیگران نیز جالب است» او پیشنهاد می‌کند اول کار با تمرین بر روی یک نفر شروع کنید و سپس سعی کنید اثر متقابل بین دو نفر را عکسبرداری کنید.  بعد از آنکه شما آموختید که آنها را در حالت راحتی و آرامش قرار دهید و احساس اضطراب راکه از دوربین شما در آنها به وجود می‌آید متوقف کنید. اضطرابی که ناشی از این موضوع است که آنها زشت یا مسخره‌ نشان داده خواهند شد. سپس تمرکز را در بیان احساسات ، زمان بدنی، صحنه آرائی، لباسها و اهداف دیگر قرار دهید، سعی کنید ردیفی از احساسات و هیجانات و تجربیات مختلف را ضبط کنید.  کوک من پیشنهاد می‌کند: «برای بیان کامل یک داستان، مطمئن شوید که در تمامی عکسهای شما یک حرکت وجود دارد. برای هر موضوع اجازه دهید که یک کلام تصویری وجود داشته باشد».  آماده کنید و عکس بگیرید   عکاس خبری قادر است سریعاً با مردم ارتباط برقرار کند و اعتماد آنها را بدست آورد. بطوری که آنها خودشان بخواهند که از آنها عکس گرفته شود.  عکاسان خبری می‌گویند آنها استعداد و ذوق یک روانشناس و جامعه شناس را با هم می‌آمیزند..  **سردبیر عکس**  عکاسان بوسیله سردبیر عکس تعیین می‌گردند که سعی می‌کند عکاسی را انتخاب کند که بتواند بر روی موضوع اختصاص داده شده بهترین کار عملی را انجام دهد. بعضی عکاسان مخصوص عکاسی ورزشی می‌باشند .  بعضی دیگر بهترین کارآیی را در بخش گزارش خبری دارند عکاس ممکن است همراهی دهند، گزارشگر باشد. اگر آنها دقت کافی داشته باشند ممکن است قبل از ترک دفتر کار در مورد امکانات عکس با هم مبحث و مبادله افکار داشته باشند، در محل رویداد ممکن است آنها با هم ایده‌های تصویری نود را مبادله نمایند. اگر چه گزارشگر اغلب چنان سرگرم گزارش تهیه کردن و عکاس نیز درگیر انداختن عکس می‌باشد. در بازگشت به دفتر روزنامه، دبیر عکس نگاتیوها یا عکسهای چاپ شده را نگاه می‌:ند و تصمیم نهائی را که کدام عکس مورد استفاده قرار گیرد باوی می‌باشد، چگونه حواشی آنها چیده شده و چاپ گردند نیز از وظایف سردبیر عکس می‌باشد. سردبیر عکس نه تنها باید دارای چشمهایی باشند که بهترین عکسهائی که ماجرا را نشان می‌دهند، تشخیص دهد. بلکه سردبیر باید قادر باشد تا از چاپ عکسهای غم انگیز و دراماتیک که ماجرا را تحریف نموده و از شکل طبیعی خارج می‌سازند جلوگیری نماید.  اگر این درست باشد که روزنامه نگاری تاریخ پرشتاب است، از آنجا ناشی می‌شود که گاهی اوقات از موضوعی تاریخی و یا جهانی در عجله به رساندن مطالب به چاپ صرفنظر شده است.  مراحل  همانگونه که خبرنویس کار نوشتن خبر را انجام می‌دهد، عکاس خبری برای به نمایش گذاشتن و به تصویر کشیدن یک داستان باید چهار مرحله را طی نماید:  \*                   بوجود آمدن نظریه  \*                   طرح ریزی، آماده سازی  \*                   مشاهده  \*                   نوشتن  عکاس یک فکر و عقیده یا نظریه را توسعه می‌دهد: در مورد عدسیهای مناسب تصمیم گیری می‌کند، سرعت شاتر و دهنه دیافراگم و انتخاب محلهای مناسبی که از آنجا عکاسی نماید از وظایف دیگر اوست. تصمیم گیری اینکه چه زمانی عکاسی نماید و سپس انجام کارهای تاریکخانه که می‌تواند نکات مهم داستان را برجسته نشان دهد.  برای یک گزارش، عکاس خبری با احتیاط و تعمق و سنجش دقیق از میان این مراحل عبور می‌کند. در یک گزارش خبری از یک جنبه از رویداد تفکر و انتخاب باید بسرعت انجام گیرد و بطوری آشکارا غریزی و الهام شونده.  مثال فقر در آپالاچیا  یک طرح ریزی قابل ملاحظه در یک سری از عکسهای گرفته شده توسط اِ کولار (E.Kollar) رئیس بخش عکاسی سازمان تنس ولی (Tennesse Valley) برای یک مطالعه و ارائه یک نظریه در باره اقتصاد ناحیه آپالاچیا (Appalachia)‌جهت نشریه (Forum)‌که یک مجله تلویزیونی می‌باشد. کولار قصد داشت که نشان دهد مردی مغرور را که در فقر گرفتار شده‌اند را به تصویر بکشد. او هدف خود را از این کار چنین بیان نمود. برای باز کردن زندگی به آنجا. سعی و کوشش که در قالب یک مقاله با استفاده از عکسهای احساس برانگیز و غیر احساسی انجام گردید.  برای انجام این کار ناحیه زندگی اشتراکی (Reses Creeki)‌ انتخاب شد بعنوان نمونه‌ای از مردم این سرزمین کولار محاسبه نمود که احتیاج به جلب اطمینان مردم منطقه دارد تا بتواند از آنها عکسبرداری نماید. یک کارمند (TVA)‌که در آن ناحیه کار کرده بود، کولار را همراهی نمود و به او کمک نمود تا اطمینان اهالی را جلب نماید.  (Reses Creeki)‌ یکی از نواحی تجمع می‌باشد که در اطراف رودخانه (Clear Fork)‌در مرز (Tenessee – Kentucky) رشد نموده است، هنگامی که استخراج معدن در این ناحیه روزگار پر رونقی، را می‌گذراند کلار مقاله‌ای در این زمینه با سود جستن از عکسهایش تهیه نمود.  اکنون اکثر معدنچیها رفته‌اند و شغلهای خوب هم با آنها رفته است. عبور معدنچیها مانند اثر زخم بر روی زمین و مردم باقی مانده است. زمین خراشیده شده از معدنهای لخت و غیر قابل احیاء از گوشه و کنار کوهها مانند یک زخم باز چشمک می‌زند. بعضی از مردم هنوز شغلی دارند ولی اکثر گرسنه می‌باشند.  لباسهای دست دوم می‌پوشند و ماشینهای خارج از رده سوار می‌شوند، اکثر خانه‌ها برق و آب ، پارک و آب لوله کشی ندارند .........  باغچه‌های کوچک خانه‌ها برای مردم ساکن در این ناحیه بسیار مهم می‌باشند. اگر ما باغچه‌های خود را نداشتیم اکثراً گرسنه می‌ماندیم، لتاکیزی (Letta Casey)‌این را به کلار گفت و کلار چندین عکس از زنان در باغچه هایشان گرفت.  کلار می‌گوید که من کیسی را یک شخص قدرتمند در بدست آوردن خواسته‌ها و پر از عزم و ثبات یافتم با وجود مشکلات و کمبودهای مالی که دست به گریبان اوست. او ممکن است فقیر به حساب آید اما از نظر معنوی بسیار ثروتمند است. من می‌خواستم این موضوع را نشان دهم.  «ما در جلوی خانه او ایستاده بودیم و در باره امیدها و برنامه‌های آینده برای 2 پسر او صحبت می‌کردیم به هنگامی که صورت وی یک احساس هیجانی مشخص را نشان داد. من می‌دانستم که اگر سریع کار کنم می‌توانم عکس دلخواه خود را بدست آورم. در مشارکت با این عکس من عدسی 180 میلی متری را با دیافراگم 8/2 بر روی بدنه یکی از سه دوربین خودم که یک دوربین نیکون FE2 بود استفاده نمودم».  کولار در حدود یک جین عکس برداشت و در میان فواصل عکاسی نورسنج را میزان دوباره مینمود.  «تمام این موضوعات احتمالاً‌در 5 ثانیه یا کمتر اتفاق افتاد، بعد از آن حالت صورت از بین رفت و من هیچگاه این حالت را دوباره ندیدم».  کولار از یک موتور جلو برنده فیلم استفاده می‌نمود و عدسی را کمی بازتر انتخاب نمود تا آنچه که نورسنج نشان می‌داد، چرا که نور از پهلو و پشت به موضوع می‌تابید. دقیقاً همانجایی که او می‌توانست .  «من می‌خواستم که موها کم رنگتر نشان داده شوند و از اهمیت پیشانی بلند کاسته شود. اما عکس دقیقاً بر عکس آنچه که من در ذهنم مجسم می‌:ردم شد. نور شدید تابیده شد بر روی موهای او حالت دراماتیک را افزایش داد و هنوز نور زیادی بر روی صورت وجود داشت. پیشانی بند میزان توجه و علاقه به این عکس را افزایش می‌دهد زیرا این ترکیب بندی را خارج از مکان نشان می‌دهد.  لتاگسی (Letta Casey) یکی از مردمی که کولار عکاس او را برای عکاسی انتخاب نمود بعنوان نماینده‌ای از مردم در ناحیه تجمعی کوهستان آپالاچیا، بعد از اینکه کلار توانست اعتماد اهالی آنجا را جلب نماید. کولار گفت آنها احساس را حتی با وسایل و دوربینهای وی نمودند. «آنها حتی مشتاق بودند که داستان زندگی خود را برای من تعریف کنند و با من کار کنند. او گفت برای گرفتن عکس از کیسی و دو کودک وی از آنها خواستم تا با هم در آستانه در بایستند». من سعی داشتم تا منطقه‌ای را که خانواده‌ها در آن گرفتار شده بودند به تصویر بکشم. و می‌خواستم تا حد امکان آنهارا طبیعی نشان دهم. تمامی نظریات از ردیف عکسها برای این بود که به عنوان سندی از شرایط زندگی مردم باشد بدون آنکه در نظر این مردم تحقیر آمیز جلوه کند».  در عکس خانوادگی کولار از یک عدسی 35 میلی متری با سرعت 125/1 ثانیه و دیافراگم 11 با فیلم Tri-X که دارای حساسیت ASA 400‌ بود استفاده نمود.  **دیری و گیاه با پیدایش**  مردم (Reses Creek)‌ درامد کافی ندارند تا احتیاجات غذایی خانواده خود را تأمین کنند. باغچه خانه آنها یک نقش اساسی در برآوردن احتیاجات غذایی آنها دارد. TVA به مردم کمک کرد که چگونه زمینهایشان را نگهداری نمایند و از آنها استفاده کنند.  دیزی پیرس (Daisy Pierce) گیاه بامیه و سایر گیاهان را پرورش می‌دهد . او می‌گوید: البته، می‌دانید من با آنها سهم خود را تقسیم می‌کنم و سپس اگر آنها چیزی داشته باشند و من نداشته باشم خوب آنها این را با من تقسیم می‌کنند.  عکس با استفاده از ترفند تهیه شد. کولار می‌گوید صورت در سایه قرار داشت و زمینه پشت بسیار روشن بود. 3 درجه اختلاف در نور سنجی بین سایه و روشنی قرار داشت. برای غلبه بر این شرایط بدون خراب کردن حالت و احساس موجود برای عکس من از کمی نور که بوسیله فلاش تابیده شد نقاط تیره صورت را روشن نمودم. اساس نورسنجی بر مبنای تابش نور خورشید قرار داشت. اگر چه من برای روشن نمودن صحنه کمی دیافراگم را باز نمودم. نوردهی بر مبنای 25/1 ثانیه با دیافراگم 11 و فیلم Tri-X‌ قرار داشت.  **تجهیزات مورد نیاز**  دوربین: ثبت و ضبط دقیق‌ترین جزییات در عکاسی معماری ضروری است و باید با وسواس، تصویرهایی با کیفیت بسیار خوب ارائه کرد. بنابراین، در سبک عکاسی اغلب از دوربین‌های قطع بزرگ و قطع متوسط یا از دوربینها و بک دیجیتال با کیفیت بالا استفاده می‌شود. در عکاسی معماری باید خطوط و سطوح عمودی بنا در تصویر کاملاً عمودی باشند و چون با دوربین‌های قطع بزرگ به سادگی می‌توان پرسپکتیو صحنه را کنترل و اصلاح و خطوط و سطوح را عمودی ثبت کرد، از این دوربین‌ها بیشتر ا ستفاده می‌شود.  اکثر عکاسان خبری از دوربین 35 میلی‌متری استفاده می‌کنند. یک عدسی تکی انعکاسی (SLR) (Single Lens Reflex) و یک عدسی سریع . در عدسیهای انعکاسی از خود عدسی برای دیدن صحنه و نور دادن به فیلم استفاده می‌گردد، آنچه که شما در منظره یاب می‌بینید همان چیزی است که در چاپ مشاهده خواهید نمود. دوربین معمولاً یک نورسنج غیر قابل تفکیک درون خودش دارد که مقدار نور صحنه را اندازه‌گیری می‌نماید و به عکاس این امکان را می‌دهد تا مشخص نماید که چه مقدار به فیلم نوردهی کند. بعضی از دوربینها اتوماتیک می‌باشند. بطوری که مقدار مناسب نور به صورت اتوماتیک و بدون دخالت عکاس داخل محفظه‌ای که فیلم قرار دارد می‌شود.    **سه‌پایه**  : عکاسانی که به کیفیت و وضوح کامل تصویر خود می‌اندیشند، استفاده از سه پایه عکاسی را بسیار جدی تلقی می‌کنند. از سویی دیگر برای اینکه تصویر از بیشترین وضوح برخوردار باشد، نباید در محیط‌های کم‌نور یا فضاهای داخلی بدون آنکه دوربین بر روی سه پایه نصب باشد، اقدام به عکاسی کرد.زیرا همراه با الزام نور دهی بیشتر در محیطی کم نور، مدت زمان عکس برداری بیشتر می شود و در نتیجه کوچک ترین لرزش ها نیز باعث محو شدن تصویر خواهند شد.    **فیلم**  : فیلم‌های با حساسیت زیاد و فوق‌العاده زیاد کمتر در عکاسی معماری مورد استفاده قرار می‌گیرند. زیرا حساسیت زیاد با افزایش دانه‌ها، جزییات تصویر را کاهش می‌دهند. از این رو استفاده از فیلم‌ یا حالتهایی با حساسیت متوسط و کم برای کاهش دانه‌ها و افزایش جزییات در تصویر ضروری است.  فیلم بوسیله سرعت آن شرح داده می‌شود، که عبارت از حساسیت آن به نور است. فیلمهای سریع سرعتهایی از 400 ASA به بالا دارند. هر چه فیلم سریعتر باشد به نوردهی کمتری احتیاج دارد تا تصویر تهیه گردد. یک فیلم با سرعت متوسط حدود 125 ASA می‌باشد. فیلم آهسته 32 ASA می‌باشد. فیلمهای سریع این امکان را به عکاسان می‌دهند که در مناطق با نور ضعیف عکسبرداری نمایند اما افزایش دانه دانه شدن فیلم و کاهش کنتراست و وضوح تصویر در چاپ را در پی دارند.  در چاپهای بزرگ از فیلمهای سریع عکس دانه دانه شده و حتی به صورت نقطه در تصویر ظاهر می‌شود. فیلمهای آهسته و یا فیلمهای آهسته و متوسط سریع جزئیات را بیشتر نشان می‌دهند.  در بعضی شرایط حتی سرعت 400 ASA نیز برای عکاسی کافی نیست. عکاسان می‌توانند در این حالت فیلم را هل (Push)‌ دهند به حساسیت ذهنی 1600 ASA و آنها را به وسیله داروهای ظهور با قدرت بالا ظاهر نمایند. هنگامی که کارن لف (Karen Leff)‌از مشت زنهای درون سالن بوکس عکسبرداری می‌نمود از آنجائیکه نور موجود در سالن کافی نبود او عکس خود را به 1600 ASA پوشش داد و به این وسیله او توانست از سرعت شاتر استفاده نماید و از محو شدن دستهای مشت زن جلوگیری نماید . او از دستهای فرد بوکسور با سرعت 125/1 ثانیه و با دیافراگم 8/2 عکسبرداری نمود.  او از یک فیلم با سرعت متوسط 400 ASA استفاده نمود. او در حالت طبیعی می‌بایست از سرعت 3/1 ثانیه استفاده نماید که برای منجمد کردن حرکت دستها بسیار آهسته بود اگر او می‌خواست که از سرعت 125/1 ثانیه استفاده نماید ، باید دیافراگم را بیشتر باز می‌کرد که این امر بر روی لنز تله فتوی وی که پ00 میلی متری بود امکانپذیر نبود که چنین بازشدگی نداشت.  با افزایش قابل ملاحظه‌ای عکاسان از فیلمهای رنگی استفاده می‌کنند و برای جلب نظر خوانندگان برای چاپ در روزنامه هر چه بیشتر و بیشتر از عکسهای رنگی استفاده می‌کنند یک عکاس می‌پرسید: «چگونه شما می‌خواهید بیان کنید که او خون آلود است هنگامی که فیلم سیاه و سفید است؟».  علت دیگری وجود دارد که عکاسان از فیلمهای سیاه و سفید استفاده نمی‌کنند و بیشتر فیلم رنگی استفاده می‌شود و علت اینست که بیشتر از لحاظ اقتصادی بصرفه نزدیک است که یک عکاس با فیلم رنگی را به مأموریت فرستاد تا دو نفر، یکی با فیلم رنگی و دیگری با فیلم سیاه و سفید، چرا که بسیار راحت می‌توان یک چاپ سیاه و سفید از یک نگاتیو رنگی بدست آورد و هیچ چیزی از دست نمی‌رود و نتیجه دلخواه هنگامی که دوربین با یک فیلم رنگی آماده عکاسی است، بدست می‌آید.  در خبرگزاری آسوشیتد پرس، فیلم سیاه و سفید چیزی است مربوط به گذشته . حال بوئل (Hal Buell) معاون مدیریت ویراستاری عکسهای خبری می‌گوید: در بیشتر موارد چاپهای بدست آمده از نگاتیو فیلمهای رنگی بسیار بهتر از آنهائی می‌باشند که بوسیله استفاده از فیلمهای سیاه و سفید بزرگ شده‌اند.  تکنولوژی افراطی (تهدید کننده) فیلم سریعتر و سریعتر، دوربینهای دکمه را فشار و عکس بنداز، عدسیهای جدید در هر ماه به نظر می‌رسد هیچ پایانی در پیشرفتهای عکاسی وجود ندارد. ولی هنوز بعضی از به یادگار انده‌ترین عکسها با آسانترین وسائل و تجهیزات گرفته شده است. حتی بوسیله یک جعبه کفش و یک سوراخ سنجاق و بعضی از وسایل قدیمی عکاسی مقداری بزرگ و سنگین بوده‌اند که تنها به وسیله حیوانات بارکش قابل حمل بوده‌اند به هنگامی که عکاسان قدیم به گوشه و کنار کشور جهت عکاسی مسافرت می‌نمودند.  عنصر اساسی آشکار است، خود عکاسی هیچ مکانیسمی تاکنون جانشین مرد و زن نشده است که قادر است تا به روشنی صورت وقایع زمان را مشاهده کند و بتواند این مشاهدات و بینش را به فیلم منتقل سازد . عکاس اتفاقات روزانه، تصادفات آتش سوزیها، جنگها، تولید و مرگ را ضبط می‌نماید . عکاس همچنین مشکلات ما را ضبط می‌کند. فرانک لوتر موت (Frank Luther Mott) یک تاریخ نگار برجسته حرفه روزنامه نگاری می‌گوید: «دوربین یک قدرت عظیم و موثر در به تصویر کشیدن بدیها دارد. و بهترین مبارزه راه حق که در زمان ما است ، که هر گونه سوء استفاده و شیادی اجتماعی – مالی و سیاسی را زیر نظر دارد و صدای صادق تصاویر که می‌تواند بدیها را جلوی چشم ما آورده و بلافاصله چشم ما را تحریک نماید.    **فیلتر:**  فیلترهای زرد، نارنجی و قرمز در عکاسی سیاه و سفید برای تشدید کنتراست ابرها و آسمان و کنترل تیرگی آسمان و فیلتر پولاریزه برای از بین بردن انعکاس‌های نامطلوب در شیشه‌ها و همچنین تیره‌ کردن آسمان در عکاسی رنگی بیشترین استفاده را در عکاسی معماری دارد. همچنین فیلترهای تصحیح در عکسبرداری رنگی از فضاهای داخلی که با منابع نور مختلف روشن شده است، کاربرد دارد.  فیلترها برای بالا بردن اثری که عکاس می‌‌خواهد به آن نائل شود استفاده می‌شوند . یک فیلتر زرد – نارنجی یا قرمز می‌تواند تاریکی آسمان را افزوده و ابرها را برجسته نشان دهد. فیلترها همچنین برای بدست آوردن تباین مناسب بکار می‌روند.  یک فیلتر زرد – سبز برای هوای آزاد بکار می‌رود عکاسانی که عکسهای خبری می‌گیرند احتیاج به استفاده از فیلتر ندارند. از آنجائیکه اکثر عکسهای گرفته شده با عجله و تلاش گرفته می‌شوند. اما برای عکسهای گزارشی و مقالات داستانی می‌توان از فیلتر استفاده نمود.  فیلم سیاه و سفید به رنگهائی که در اطراف ماست به همان ترتیبی که چشم انسان عمل می‌کند پاسخ نمی‌دهد اگر شما تاکنون عکسی سیاه و سفید از آسمان زیبای آبی رنگ گرفته باشید با ابرهای کمرنگ شما میدانید که در حقیقت چه چیزی بدست آورده‌اید. آسمان کاملاً یکدست و کاملاً سفید و پاکیزه به نظر خواهد رسید که یک فیلتر آبی رنگ می‌تواند مشکل را حل نماید.  فیلترها برای فیلمهای سیاه و سفید تباین و کنتراست را تصحیح می‌کنند. یک فیلتر مناسب می‌تواند ابرها را نمایان سازد. برای اینکار می‌توان از یک فیلتر زرد – نارنجی یا قرمز استفاده نمود. یک فیلتر زرد – سبز برای گرفتن عکس از فضای باز مناسب است، از آنجائیکه تُنهای پوست را تصحیح می‌کند و هیجانات صورت را نمایانتر می‌سازد، همان کارائی را یک فیلتر سبز در فضای بسته و زیر نور مصنوعی دارد.  فیلتر ماوراء بنفش برای تصاویر کنار دریا بکار می‌رود. این فیلتر اشعه ماوراء بنفش را جذب کرده و چشم انداز را صاف و واضح نشان می‌دهد. همچنین مه آلودگی و تیرگی (Fog)‌ تصویر را کاهش می‌دهد.  برای جلوههای دراماتیک یک فیلتر قرمز با استفاده از یک پس زمینه تاریک موضوع را سفید و برجسته نشان می‌دهد.  برای اخبار لحظه‌ای که درون فضای بسته عکسبرداری می‌شوند به فیلتر احتیاجی نیست . اما در گزارشات و مقاله‌ها هنگامی که زمان کافی در اختیار داریم فیلترها حداکثر کارائی و بازدهی را در به دست آوردن عکسهای دراماتیک دارند.  **دیافراگم:**  باز شدن دهنه عدسی یا دیافراگم مقدار نوری را که به فیلم می‌رسد تغییر می‌دهد. باز بودن عدسی به وسیل اعدادی اندازه‌گیری می‌شود که در ردیفی پشت سر هم قرار دارند و با حرف F نشان داده می‌شوند که به آن (F-STOP) می‌گویند. اعداد کوچکتر نشانه بازتر بودن دیافراگم هستند و اجازه می‌دهند که نور بیشتری نسبت به اعداد بزرگتر داخل شوند. دیافراگم 4 را اجازه می‌دهد تا نور به مقدار 2 برابر نسبت به دیافراگم شماره 2 به فیلم بتابد. هر شماره بر روی عدسی در روی دوربین مقدار نصف نور نسبت به شماره قبلی را مشخص می‌کند. اعداد بر روی لنز معمولاً عبارتند از:  45 – 32 – 22 – 16 – 11 – 8 – 6/5 – 4 – 8/2 – 2 – 4/1 F  عامل دیگری که مقدار نوردهی را که به فیلم می‌رسد کنترل می‌نماید شاتر یا مسدود کننده می‌باشد.  **شاتر یا مسدود کننده:**  سرعت شاتر یا مسدود کننده تغییر دهنده طول زمان نوردهی می‌باشد، مقدار زمانی که مسدود کننده باز است بوسیله اعداد کسری بر حسب ثانیه اندازه‌گیری می‌شود، علامتهای 15 – 30 – 60 – 125 – 250 – 500 – 1000 در حقیقت بازگو گننده 15/1 ثانیه، 30/1 ثانیه ......... می‌باشند.  علامت به عکاس این امکان را می‌دهد که مسدود کننده را تا زمانی که دکمه شاتر فشرده است باز نگه داشته و به فیلم به هر مقدار که نیاز است نور بتاباند. نوردهی صحیح عبارت است از ترکیبی از سرعت شاتر و باز بودن عدسی ، اگر چه اکثر عکاسان هنگام کار با صحنه‌های پر تحرک در شرایط نامناسب از لحاظ نوری قرار می‌گیرند. در این حالت معمولاً از سرعت 125/1 ثانیه و باز بودن دهنه دیافراگم شماره‌های 8/2 یا 4 استفاده می‌کنند. سرعت شاتر 125/1 یا 25/1 ثانیه صحنه‌های حرکت در تصویر را متوقف نمی‌کند و باید از سرعتهای 500/1 یا 1000/1 ثانیه استفاده نمود. برای بدست آوردن نور مناسب، دهانه لنز باید بازتر گردد مثلاً از دیافراگم 4/1 یا سه درجه بالاتر استفاده نمود. اما بازتر شدن دیافراگم منجر به از دست دادن عمق میدان و منطقه وضوع می‌شود. معمولاً باید از حالت میانه و تعدیل بین دیافراگم و شاتر حداکثر بازدهی را بدست آورد.  **عمق میدان:**  عمق میدان مشخص کننده ناحیه بین نزدیکترین و دورترین نقطه در تصویر می‌باشد که دارای وضوح کامل باشد. عمق میدان تحت تأثیر 3 عامل مشترک قرار دارد که عکاس می‌تواند آنها را کنترل نماید.  1-   باز بودن عدسی: شماره دیافراگم کوچکتر = عمق میدان کمتر  2-   فاصله کانونی : فاصله کانونی کمتر = عمق میدان بیشتر  3-   فاصله عدسی با موضوع: فاصله بیشتر = عمق میدان بیشتر  در عکس برمان از بازیکن فوتبال، چشمهای بیننده مستقیماً بر روی بازیکن دوخته می‌شود، چرا که زمینه پشت از وضوح خارج است. در همان حال زمینه پشت به اندازه کافی واضح می‌باشد که به ما بگوید در یک مسابقه هستیم.  اکثر دوربینها دارای درجه نشان دهنده عمق میدان می‌باشند که بر روی عدسی نوشته شده است و به عکاس وسعت ناحیه‌ای را که دارای وضوح می‌باشد در هر شماره دیافراگم نشان می‌دهد. با استفاده از این درجه بندی عکاس میتواند نواحی که خارج از وضوع قرار می‌گیرند را بسنجد. به منظور ملاحظه نمودن زمینه پشت موضوع و اطمینان از اینکه کدام قسمت از صحنه دارای وضوح می‌باشند.  دون اولتاگ (Donultag) یکی از برندگان جایزه عکاسی خبری و استاد عکاسی دانشگاه درک (Drake) پیشنهاد می‌کند برای آنکه سریعاً به تشخیص درست برسیم از قانون 3/1 استفاده نماییم. جهت پیدا نمودن نقطه وضوح بگونه‌ای که عناصر گوناگون در عکس دارای وضوح باشند.  1-   تخمین مسافت بین نزدیکترین و دورترین موضوع  2-   گرفتن 3/1 فاصله بین دو فیگور  3-   اضافه کردن 3/1 بدست آمده به نزدیکترین فاصله و میزان کردن آن بر روی درجه فاصله یاب .  برای مثال: برای گرفتن عکس از موضوعی که نزدیکترین آن 5 پا فاصله با دوربین دارد و دورترین آن 2 پا فاصله با دوربین دارد. اختلاف بدست آمده 15 پا می‌شود که 3/1 آن می‌شود 5 اختلاف را به فاصله نزدیکترین فیگور که 5 است اضافه می‌کنیم و به این ترتیب عدد 10 بدست می‌آید و فاصله یاب دوربین را بر روی عدد 10 قرار می‌دهیم.  برای قاپیدن عکسها در شرایط عکسبرداری سریع، اولتانگ اغلب اوقات قبلاً درجه فاصله یاب دوربین را روی 12 یا 13 پا قرار می‌دهد.  (قانون 3/1 در شرایط نوری ضعیف و هنگامی که از دهنه دیافراگم باز استفاده می‌گردد قابل استفاده نیست).  عمق میدان،‌ ناحیه وضوح تصویر یا عمق میدان می‌تواند برای دیافراگمهای مختلف اندازه گیری شود بوسیله خواندن درجه عمق میدان بر روی بدنه عدسی. هنگامی که باز بودن دیافراگم میزان شده برای مثال روی عدد 6/5 و فاصله بر روی 7 پا میزان شده باشد چنانکه اینجا در تصویر نشان داده شده است ، ناحیه وضوح بر روی درجه بندی از حدود 6 تا 9 پایی می‌باشد.  **عمل متقابل**  یکی از موارد مورد استفاده در تنظیم نور برای عکاسان خبری همیشه استفاده از عمل متقابل می‌باشد. از آنجائیکه دیافراگمها (F-STOP) به ترتیب شماره 2 برابر یا نصف مقدار درجه نور به فیلم می‌رسانند و شاتر (مسدود کننده) نیز کار مشابهی انجام می‌دهد، می‌توان آنها را با یکدیگر تطبیق نمود تا مقصود عکاس را به انجام رسانید که در ذهن دارد. اگر نورسنج برای دیافراگم 4 و سرعت 125/1 ثانیه نشان داده شده است و عکاس می‌باید حرکت با سرعت زیاد را ثبت نماید می‌تواند سرعت شاتر را به 250/1 ثانیه برساند که باعث می‌شود در نصب زمان نسبت به 125/1 ثانیه نور به فیلم تابیده شود. برای جبران این کمبود نور عدسی باید یک درجه باز شود و به 8/2، که اجازه می‌دهد 2 برابر از حالت دیافراگم 4 نور عبور کند.  اما دیافراگم 8/2 دارای عمق میدان کمتری نسبت به دیافراگم 4 می‌باشد و اگر عمق میدان برای عکاسی لازم باشد، شماره عدسی می‌تواند روی 4 قرار گیرد و در این صورت سرعت شاتر 125/1 ثانیه خواهده بود که نتیجه آن کشیدگی تصویر و محو شدن حرکت خواهد بود. عکاس خود باید تصمیم بگیرد که چه چیزی را تصمیم دارد در تصویر نشان دهد.  **فاصله کانونی**  عدسیها معمولاً در مقیاس فاصله کانونی متوسط – بلند و کوتاه توصیف می‌شوند. لنز 50 میلی‌متری بعنوان یک لنز متوسط در نظر گرفته می‌شود بخاطر اینکه تقریباً شبیه دید طبیعی انسان می‌باشد. لنز بلند 100 میلی‌متری به بالا به مانند لنزهای عکاسی دور (Tele Photo)‌در نظر گرفته می‌شوند . این لنزها اشیاء فواصل دور را نزدیک آورده و صحنه را متراکم و فشرده می‌سازند . هر چه لنز بلندتر باشد بزرگنمایی آن بیشتر خواهد بود و زاویه‌ای که تحت پوشش قرار می‌گیرد باریکتر می‌شود. لنزهای کوتاه شناخته می‌شوند به عنوان لنزهای زاویه پهن (Wide – angle) این لنزها به سمت سایر عدسیها صحنه بیشتری را تحت پوشش خود قرار می‌دهند.  هر چه فاصله کانونی عدسی کمتر باشد، ناحیه بزرگتری را می‌توان عکاسی نمود و اشیاء کوچکتر نشان داده می‌شوند، عکاس می‌تواند دوربین را به سمت یا دور از صحنه حرکت داده و می‌تواند عدسیها را تعویض نموده تا نتیجه مطلوب را بدست آورد. گاهی اوقات، ساده‌ترین راه تعویض عدسی می‌باشد. اما هر عدسی به همان نسبت که مزایائی دارد، محدودیتهائی را نیز داراست.  **محدودیت عدسیها**  Normal:عدسی متوسط (Normal)‌به منظور استفاده حداکثر از گشادگی دهنه دیافراگم طراحی می‌گردد، که به عکسها این قابلیت را می‌دهد که در شرایط نوری ضعیف برداشته شوند. در این نوع عدسی اشیاء دور کوچک به نظر می‌رسند، اشیایی که خارج از منطقه‌ای که مستقیماً جلوی دوربین قرار دارند یا 47 درجه از زاویه دید دوربین خارج هستند در فیلم ثبت می‌شوند.  Long:در عدسی بلند (Lang) اشیاء در فاصله دور اندازه مثال بزرگ می‌شود اما منطقه‌ای که زیر پوشش قرار می‌گیرد کوچک می‌شود. با بلندتر شدن لنز منطقه عکسبرداری شده به این ترتیب کوچک می‌شود. عدسی 15 میلی متری 29 درجه تحت پوشش، عدسی 200 میلی متری – 12 درجه و عدسی 100 میلی متری تنها 5/2 درجه زاویه دید دارد. به همین ترتیب هر چه فاصله کانونی بیشتر شود عمق میدان کمتری خواهیم داشت. از آنجائی که تصاویر بزرگتر لرزش دقیقاً دست را آشکار می‌کنند به هنگامی که دوربین بوسیله دست نگه داشته می‌شود. یک سرعت بالا در شاتر لازم است. (یک راهنمای عملی از سرعت شاتر با حداکثر سرعت در رابطه با فاصله کانونی استفاده کنید – با یک عدسی 200 میلی متری: از سرعت 250/1 ثانیه یا سریعتر استفاده نمایید)  Short:عدسی کوتاه (Short)‌ در مناطق شلوغ که عکاس به صحنه نزدیک است به کار می‌رود. فاصله کانونی کمتر باعث می‌شود که عمق میدان بیشتری داشته باشیم. عکاس قبلاً می‌تواند عدسی زاویه باز (Wide – angle)‌ را میزان کند و مطمئن شود که اشیاء دور و نزدیک تماماً دارای وضوح باشند. اگر چه لنزهای زاویه باز اگر بسیار نزدیک به موضوع به کار گرفته شوند، موضوع را بصورت بدقواره و بزرگتر نسبت به اشیاء به همان اندازه در زمینه پشت نشان می‌دهند.  Zoom:عدسی با فاصله کانونی متغیر آمیخته‌ای است از یک ردیف از فاصله کانونهای متفاوت در یک لنز این عدسیها این امتیاز را دارند که احتیاج به تعویض عدسی را کاهش می‌دهند . آنها عملاً در شرایط نوری ضعیف قابل استفاده نیستند.  Macro:عدسی بزرگ نما (Macro) برای عکاسی نزدیک به موضوع (Close-up) مورد استفاده قرار می‌گیرد . این لنز برای کاهش دادن تعبیر شکل طبیعی اشیاء است که در فاصله نزدیک به عدسی قرار دارند.  Fisheye:عدسی چشم ماهی (F. Sheye) دارای یک زاویه دید گسترده است. بعضی از انواع اینگونه لنزها تا زاویه 180 درجه بسط یافته‌اند . اشیاء نزدیک و دور دست به لنز از شکل طبیعی خارج می‌شوند. تصویر بدست آمده در عوض آنکه به شکل راست و چهارگوش باشد بصورت دایره‌ای و گرد است.  موقعیتهای گوناگون عدسیهای متنوع رامی‌طلبد. از آنجائیکه عدسی بلند صحنه را فشرده می‌کند یک لنز تله متو معمولاً برای انتقال احساس یک عصای بسته به کار می‌رود. برای عکاسی از صورت اشخاص استفاده از یک لنز نورمال نزدیک به موضوع می‌تواند اعضای صورت که نزدیکتر به دوربین قرار دارند (پیشانی و بینی) را به طور بدقواره‌ای برجسته نشان دهد.  یک لنز متوسط بلند (135 – 85) می‌تواند نتایج بهتری را ارائه دهد. همچنین لنز بلندتر این امکان را به عکاس می‌دهد که از موضوع فاصله بگیرد و به این وسیله ناراحتی فرد را کاهش دهد.  **بزرگنمایی:**  اندازه هر شیئی بر روی فیلم بستگی به فاصله کانونی عدسی ما دارد.  همان نسبت که فاصله کانونی افزایش یابد به همان نسبت اندازه شیء بر روی فیلم بزرگتر می‌شود یک عدسی 135 م.م. یک عدسی تله فتو می‌تواند تصویری ارائه دهد که تقریباً 3 برابر از تصویر ارائه شده توسط لنز 50 م.م. بزرگتر است که لنز متوسط نامیده می‌شود. یک لنز 300 م.م. می‌تواند یک تصویر بدست 6 برابر بزرگتر از عدسی متوسط 50 م.م ارائه دهد. همچنین هر چه فاصله کانونی افزایش پیدا کند. زاویه دید باریکتر می‌شود و ناحیه کمتری در عکس قرار می‌گیرد. برای عکاسی از یک منطقه وسیع 10 عدسی زاویه باز استفاده می‌گردد. به نسبت ناحیه بیشتری که در عکس قرار می‌گیرد عدسی زاویه باز اشیاء را کوچکتر می‌سازد.    **عکسهای داستانی:**  عکسهای داستانی یا عکسهای مقاله‌ای یک سری از عکسهائی می‌باشند با یک موضوع مشترک که بعنوان سندهایی از یک واقعه می‌باشند و یا داستانهائی در باره یک شخص یا یک مکان بازگو کنند، در حالی که عکسهای تکی احساس برانگیز هستند. عکسهای پشت سر هم می‌تواند در مورد جزئیات موشکافی و باریک بینی داشته باشد و دارای وضوح و امتیازاتی باشد که یک عکس تکی فاقد آن است.  معمولاً عکس داستانی بر حول قویترین عکس ما می‌گردد، عکسی که موضوع اصلی را شرح داده یا مشخص می‌سازد. عکاس این عکس را در هنگام عکسبرداری در ذهن نگه می‌دارد و تا جایی که به گرفتن عکسهای جالب و هیجان انگیز باشد به کار خود ادامه می‌دهد. یک لنز زاویه باز ممکن است برای گرفتن یک عکس به کار گرفته شود و برای گرفتن عکسی دیگر از یک لنز تله فتو استفاده شود و عکسها از حالتهای گوناگون گرفته شوند. نمای نزدیک (Close-Up)‌ که بر روی یک حالت خاص از موضوع تأکید دارد و باعث متفاوت شدن و تنوع بخشیدن به مناظر می‌شود که توجه به جزییات نامیده می‌شود. این عکسهای نمای نزدیک بین بیننده عکس و موضوع برقرار می‌کنند.  برای داستان یا مقاله ممکن است از تکنیکهای نورپردازی گوناگون استفاده شود به طور مثال نور تابیده شده از پنجره–نور اتاق یا عکس سیاه در زمینه سفید (ضد نور)  فیلم چاپ شده بر روی کاغذ و عکسهای جمع آوری شده با طرحی که مورد نظر است هماهنگ می‌شوند که بتواند با موضوع اصلی همخوانی داشته باشد و عکسها در ابعاد و اشکال گوناگون چاپ می‌گردند.  عکس موضوع اصلی در مکانی قرار داده می‌شود که به وسیله عکسهای پیرامونی احاطه گردد و از حمایت آنها در بازگفتن ما برابر نوردار شود.  **مستند اجتماعی:**  بعضی عکسها چیزی بیش از یک تکمیل کننده یک داستان خبری می‌باشند. آنها یک بینش جدید را آماده می‌سازند و راههای جدیدی برای نگاه کردن به دنیا برای ما فراهم می‌سازند. عکس می‌تواند با ثبت و متوقف کردن یک احساس یک صورت و یا یک صحنه را به تصرف در آورد. عکس لویس هین (Lewis Hine) از یک کودک در حال کار در یک کارخانه ریسندگی کتان در جنوب آمریکا مثال ساده است که هنوز دارای قدرت بیان می‌باشد. در نگاه اول کوک من (Cook man) می‌گوید هیچ چیز خطرناکی در باره صفحه‌ای که نمایش داده می‌شود وجود ندارد. کارخانه بطور اختصاصی چیز خطرناکی به نظر نمی‌رسد و ما نمی‌توانیم صورت دختر بچه را به اندازه کافی و از نزدیک نگاه کنیم که او خسته است. یا سوء تغذیه دارد یا چیز دیگری که از سوء استفاده از وی بوسیله احساساتش نشان دهد .  او می‌گوید اما پانچه که نشان داده نشده است مهم است . همکاری و همدردی ما با آنچه که یک دوران کودکی خوب باید مانند آن باشد – آموزش و پرورش – بازی و آزادی از کاشت مشقت بار با مردمکم. عکس در سال 1908 گرفته شده است. هنگامی که کودکان در معادن و کارخانه‌ها رنج و زحمت می‌کشیدند . این آگاهی با بازتاب احساسات ما مخلوط می‌گردد و منتقل می‌شود. در عکس و آنرا تبدیل به یک شرح و بیان قوی می‌نماید. عکس از لحاظ نکات تصویری بسیار ساده است، راهروی بلند کارگاه چشم را مستقیماً به نقطه مرکزی عکس هدایت می‌کند که دختر بچه می‌باشد. نور قوی که از پنجره‌ها می‌تابد نه تنها یک طرح جالب را بوجود می‌آورد بلکه دنیای خارج را به یاد ما می‌آورد جائیکه کودکان بازی می‌کنند.  راهروی باریک به نظر می‌رسد که کودک را تحت فشار قرار داده است. هین یک عکاس مستند است که عکسهای بسیاری از مهاجران در (Ellis Island) و کودکان و افراد بالغ که در کارخانجات آمریکا تحت شکنجه و فشار بودند تهیه نمود. او به مانند یکی از برجسته‌ترین عکاسان سال آمریکایی در نظر گرفته می‌شود. تفسیرهای اجتماعی او در عکسهای بچه‌ها در کارخانه کمک بسیاری نمودند تادر قوانین کار کودک تغییراتی بوجود آمد. هیل 000/15 عکس از سالهای 1900 تا 1940 گرفت که قدردانی از وی دیر انجام گرفت او در سال 1940 در فقر و بینوایی در گذشت.  خاصیت اقتصادی بودن عکاسی 35 میلی‌متری و دیجیتال در اینست که روزنامه‌ها از عکاسان می‌خواهند تا سریع و پشت سر هم عکاسی نمایند. دبیران عکس می‌دانند که عکاسان خوب در پی آنند که عکسهایی برای خوانندگان تهیه کنند تا با یک نگاه اجمالی به آنها در مورد موضوع ماجرا و مردمی که درگیر آنند آگاهی دهد اگر چه این عکسها در سخت‌ترین شرایط گرفته شده باشد.    **سازمانهای حرفه‌ای**  اتحادیه دانمارکی عکاسان مطبوعات اولین سازمان ملی برای عکاسان روزنامه در جهان بود که توسط شش عکاس مطبوعاتی در سال 1912 در کوپنهاک پایه گذاری شد. امروزه این سازمان بیش از 800 عضو دارد. انجمن ملی عکاسان مطبوعات (NPPA) National press photographers Association در سال 1946 در آمریکا تأسیس شد و حدود 000/10 عضو دارد. سایر سازمانها در سطح جهان عبارتند از BPPA انجمن عکاسان مطبوعاتی انگلستان British press photographers Association که در سال 1984 تأسیس شد و سپس در سال 2003 مشکل جدیدی به خود گرفت و امروزه حدود 450 عضو دارد. انجمن عکاسان خبری هنگ کنگ (1989) انجمن عکاسان خبری ایرلند شمالی (2000)، سوئد Press fotografernas Klubb (1930) و نروژ.  سازمانهای خبری و مدارس روزنامه نگاری جایزههای گوناگونی برای عکاسان خبری دارند. از 1968 جایزه پولیتزر Pulitzer Prizes برای موارد زیر از عکاسی خبری جایزه در نظر گرفت:  1-عکاسی فیجر Feature نمایش گذاشتن  2-عکاسی خبری لحظه‌ای Spotnews    جوایز دیگری عبارتند از:World Press Photo--Best of photo Journalism  و همانطور جایزه انگلیسی تبارThe Press Photograpers Year    **ملاحظات اخلاقی و حقوقی**  فتوژورنالیسم درون همان رویکردهای اخلاقی عینی گرائی کار می‌کند که سایر روزنامه نگاران بکار می‌برند.  What to shoot از چه چیزی عکس گرفت  How to frame  چگونه کادر بندی نمود  How to edit      چگونه ویراستاری کرد  ملاحظات همیشگی هستند.  اغلب مشاجرات تضادهای اخلاقی را می‌توان توسط اعمال معاون سر دبیر یا دبیر عکس که کنترل عکس را از زمانی که به سازمان خبری تحویل داده شد در دست دارند آرام نمود و یا افزایش داد. عکاس خبری اغلب کنترلی ندارد که چگونه نهایتاً عکسها مورد استفاده قرار گیرند.  ظهور عکاسی دیجیتال قلمروهای کاملاً جدیدی از فرصتی برای دستکاری، باز تولید، و انتقال تصاویر فراهم نموده است. که بطور اجتناب ناپذیری بسیاری از مسائل اخلاقی مربوطه را پیچیده‌تر کرده است.  انجمن عکاسان مطبوعاتی آمریکا و سایر سازمانهای حرفه‌ای کدهای اخلاقی را برای مشخص نمودن رویکردهائی به این مشکلات مشخص کرده‌اند.  اکثر مشکلات اخلاقی اغلب با موفقیت کما بیش در قانون ثبت شده است. توجه قانون به عکاسی می‌تواند بطور معناداری از ملتی به ملتی دیگر متفاوت باشد. موقعیت حقوقی هنگامی پیچیده تر می‌شود که عکس خبری که در یک کشور تهیه شد در سایر کشورها چاپ شود.    **تأثیر تکنولوژیهای جدید**  دوربینهای کوچکتر و سبکتر به شکل زیادی نقش عکاسی خبری را بالا برده‌اند. از دهه 1960، موتور درایوها، فلاش الکترونیک، فوکوس خودکار، لنزهای بهتر و سایر پیشرفتهای عکاسی عکس گرفتن را ساده‌تر کرده‌اند. دوربینهای جدید دیجیتالی را از محدودیتهای اندازه طول فیلم رها کرده‌اند و هزاران عکس را می‌توان در یک Memory Card  یا Cmicro Drive ذخیره نمود.  محتوی امروز مهمترین عنصر عکاسی خبری باقی مانده است اما توانایی گسترش مهلت با جمع آوری و ویراستاری سریع عکسها تغییرات عظیمی را به همراه آورده است. تقریباً در 15 سال قبل تقریباً 30 دقیقه برای اسکن و انتقال یک عکس رنگی از یک مکان دور به یک اداره خبری برای چاپ زمان لازم بود . اکنون با استفاده از یک دوربین دیجیتال ، یک تلفن موبایل و یک لپ تاپ کامپیوتر یک عکاس خبری می‌تواند یک تصویر با کیفیت بالا را در زمان یک دقیقه ارسال کند حتی لحظاتی بعد از اینکه رویداد رخ داد. تلفنهای تصویری و اتصالات ماهواره‌ای قابل حمل به شکل فزاینده‌ای امکان ارسال از راه دور تصاویر را از هر نقطه‌ای از کره زمین فراهم نموده‌اند.  نگرانیهای توسط عکاسان خبری وجود دارد که حرفه عکاسی خبری به آن شکلی که امروزه شناخته می‌شود تا حدی تغییر کند که از تکنولوژی عکس گرفتن که به شکل طبیعی رشد می‌کند قابل تشخیص نباشد. همچنین این نگرانی وجود دارد که انتشارات چاپی کمتری عکاسی خبری را در موضوعات به موقع جدی در نظر گیرند.    **نکات مهم:**  طرح عکس:  1-یک داستان انتخاب کنید  2-مواد لازم را جمع آوری کنید  3-برنامه ریزی کنید  4-مرتب تصحیح کنید.    عکس خبری معمولاً در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌شود و کاربرد اصلی آن خبررسانی است و حاوی ارزشهای خبری است.  ویژگیها:  1- وابستگی به زمان معینی دارد.  2 – عینی گرایی  واقع گرایانه – و نمایش واقعیت به صورتی که اتفاق افتاده سند باشد.  باید بگوییم این اتفاق افتاده است.این نما اینگونه بوده است.  عکاسی مستند گسترده‌تر است منحصر به خبر نیست. زمینه تاریخی و زمانی مشخص می‌تواند نداشته باشد و موضوعات مختلف را شامل می‌شود.  3 – روایت گونه یا داستان گونه  زمانی و مکانی است.  یک فریم و یک برش از واقعیت است که در جریان بوده و عکاس آن را به عنوان نماینده کل داستان (واقعیت) انتخاب می‌کند.  4 – لحظه‌ای بودن  قابل پیش‌بینی نیست.  قابل تنظیم نیست.  قابل تکرار نیست (زمان – حرکت)  5 – همبستگی عکاس با موضوع  عکاس در معرض سیل، جنگ و ....... می‌باشد. داخل گود و مهلکه است.  عکاس با موضوع درگیر است.  عکاسی خبری  کاوش در هنجارهای احتمالی و پرداختن به موضوعات زندگی روزمره مردم و ارتقای سطح آگاهیهای عمومی از طریق رسانه عکس و ثبت آن به عنوان اسناد تصویری.  عکاس خبری نمی‌تواند دروغ بگوید و به همین خاطر یکی از دلایل مورد توجه بودن آن توسط مخاطبین صادق بودن آن است.  عکسها معمولاً توسط آژانسهای خبری تهیه می‌شوند  توجه:عکس  خسته کننده و تکراری و بی روح نباشد . زیبا باشد و مزاحمت برای افراد و حریم خصوصی ایجاد نکند.    **ویژگی‌های عکاس خبری:**  تعهد – صداقت – شجاع – صبور – مصمم – روشن بین – کنجکاو – قاطع – جستجوگر – آگاه – آشنایی با اصول  **ویژگیهای عکس خبری:**  تازگی– غیر متعارف– احساسی یا هشداری بودن – زاویه مناسب – موقعیت مناسب    **موضوعات عکسهای خبری(عکسهائی که دارای ارزش خبری باشند) یاانواع عکاسی خبری:**  مستند ,تبلیغاتی ,زندگی جاری,در صحنه ,علایق انسانی,ورزشی ,زندگی معاصر, اخبار فوری (مثل حادثه، بلایای طبیعی، توفانهای بزرگ) ,اخبار کلی (فوت،  ملاقاتهای بزرگ),مقالات عکاسی,رویدادهای مقاله‌ای مهم,رویدادهای ورزشی,فستیوالها,رویدادهای آموزشی,عکسهای فیچر(گزارشی),تبلیغات,ایلوستریشن(مصور سازی,نماهای دیدنی, رویدادها - سمینارها – مسابقات ورزشی – اشخاص – لحظات – موقعیت محیطی  ...... |   Comments  You do not have permission to add comments. |   [Sign in](https://www.google.com/a/UniversalLogin?service=jotspot&continue=https://sites.google.com/site/nadersadeghisite/jzwh-asy-khbry)|[Recent Site Activity](https://sites.google.com/site/nadersadeghisite/system/app/pages/recentChanges)|[Report Abuse](https://sites.google.com/site/nadersadeghisite/system/app/pages/reportAbuse)|[Print Page](javascript:;)|Powered By [**Google Sites**](http://sites.google.com) | |